

مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران

نوع مقاله: پژوهشی

سیدجلال محمودی^۱

مصطفی ازکیا^۲

میثم موسائی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

چکیده

چگونگی تعرفه‌گذاری کالای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران پیامدهای اقتصادی گوناگونی به همراه داشته است. این مقاله تحقیقی کیفی با استفاده از روش نظریه بنیانی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته است که با روش نمونه‌گیری هدفمند به بررسی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالای وارداتی از دیدگاه کارشناسان گمرک ایران پرداخته است. در این روش با کدگذاری ۲۰ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان اشباع نظری حاصل گردید. براساس نتایج حاصل از تحقیق، استنباط نظری محقق بر این است که شرایط علی ناشی از زمینه‌های اقتصادی جامعه ایران مانند نوسانات تعرفه‌ای، تعدد متولیان تجارت و ... با مداخله‌گری عناصری چون زمان‌مند نبودن حمایت‌های دولتی و بی‌توجهی به تجارب سایر کشورها و راهبردها و تعاملات اتخاذ شده مقطعی و منفعلانه، بی‌توجه به معیارهای توسعه اقتصادی به پیامدهای همچون ضدیت با توسعه فساد، دورزدن قانون، افزایش قاچاق، عدم رقابت‌پذیری کالای ایرانی و ... منجر گردیده است.

واژگان کلیدی: تعرفه‌گمرکی، توسعه اقتصادی، جامعه‌شناسی اقتصادی، تئوری بنیانی

طبقه‌بندی JEL : O1, Z19, A14

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

Jalal.golpayegany@gmail.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)

Mostafa_azkia@yahoo.com

mousaaei@ut.ac.ir

^۳ استاد دانشگاه تهران

مقدمه

بحث بر سر چگونگی تدوین و ارائه نرخ تعرفه کالای وارداتی از طریق افزایش یا کاهش تعرفه‌ها و نقش آن در توسعه اقتصادی و حمایت از تولیدات صنعتی داخلی از دیرباز در اقتصاد ایران مطرح بوده و موافقان و مخالفان بسیاری در بین کارشناسان حوزه‌های مختلف اقتصادی، مدیران دولتی و صاحب‌نظران دانشگاهی داشته است. تعرفه گمرکی^۱ زبان مشترک کلیه کشورهای عضو سازمان جهانی گمرک WCO^۲ در امور واردات، صادرات، بیمه و حمل و نقل است. در ادبیات اقتصادی، تعرفه، عوارض گمرکی مرتبط با واردات کالا است که برای کالاهای تولیدی داخل کشور نسبت به کالاهای وارداتی، مزیت قیمتی ایجاد نموده ضمن آنکه درآمد دولت را افزایش می‌دهد.

«ارزیابی اتاق بازرگانی تهران^۳ نشان می‌دهد که ایران بیش از سایر کشورها از ابزار تعرفه‌ای برای حمایت از تولید محصولات داخلی خود استفاده می‌کند. میانگین موزون تعرفه گمرکی در ایران حدود ۱۵ درصد است، درحالی‌که در سایر کشورهای این رقم از ۷ درصد تجاوز نمی‌کند. این رقم در کشورهای ترکیه و مالزی حدود ۵ درصد و در آمریکا و ژاپن حدود ۲ درصد است» (قاسمیان، ۱۳۹۲).

درواقع تصور می‌شود تعرفه‌های بالای گمرکی منجر به افزایش قیمت کالاهای وارداتی و نتیجتاً اقبال پایین جامعه به آنها خواهد شد. در این راستا سیاست‌های اقتصادی کشور مزین به شعارهایی شده که گمان می‌رود تعرفه بالا منجر به مصرف کالای ایرانی و افزایش تولید آن کالا، اشتغال‌زایی خانوارها خواهد شد. به این منظور با محروم کردن جامعه ایران از پیشرفته‌ترین سطوح تکنولوژی مثلاً در صنعت خودروسازی امید به آن می‌رود که در مقاطعی با افزایش گاه‌دها درصدی تعرفه واردات خوددور از تعطیلی خودروسازان داخلی مانند ایران خودرو و سایپا جلوگیری نماید اما مشخص نیست این سیاست اقتصادی تا چه میزان در دراز مدت به رقابت‌پذیری کالای ایرانی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی منجر خواهد شد.

در ایران سود بازرگانی و تعرفه‌های گمرکی بالا در راستای استراتژی توسعه صنعتی و جایگزینی واردات^۴، با خط مشی اصلی واردات ماشین‌آلات سنگین و وضع تعرفه‌های بالا جهت حمایت از صنایع داخلی است که منجر به تفاوت فاحش قیمت کالاها در داخل و خارج شده و راه را بر قاچاق و سایر روش‌های غیرقانونی سوداگری که نتایج اقتصادی زیان‌باری دارد گشوده است. سیاست

^۱ Customs Tariff

^۲ World Custom Organization

^۳ www.tccim.ir

^۴ Import substitution industrialization

جایگزین واردات در اوایل انقلاب با محوریت گفتمان خودکفایی به ایجاد موانع غیرتعرفه‌ای فراوانی منجر شد اما در دهه‌های اخیر به سیاست‌های تعرفه‌ای برای توسعه صادرات تغییر جهت داده است. «معمول‌ترین دلیل منطقی برای تعرفه‌ها حمایت از صنایع نوپاست. آلگزاندرو همیلتون^۱، نخستین وزیر خزانه‌داری ایالات متحد آمریکا به انتقاد از آموزه اقتصاد آزاد (عدم مداخله دولتی) و تجارت آزاد آدام اسمیت^۲ پرداخت. همیلتون از تعرفه مصوب ۱۷۸۹ حمایت کرد که تا حدی در حمایت از تولیدات صنعتی در کشور جوان او در مقابل رقابت خارجی در نظر گرفته شد» (نافزیگر/ آزاد ارمکی، ۱۳۵۹).

پاره‌ای از سیاست‌های برون‌گرا در توسعه؛ آزادسازی را نوعی تعطیل صنایع داخلی می‌دانند اما مشخص نمی‌سازند تا کجا می‌توان با اعمال تعرفه‌ها از رقابت‌پذیری جهانی گریخت. تجربه کشوری چون هند که با اعمال تعرفه ۲۰۰ درصد خودرویی نتوانست صنایع خودروسازی خود را رقابت‌پذیر سازد تا زمانی که با آزادسازی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی توانست به کشوری پیشرو در صادرات خودرو تبدیل شود. قبل از انجام اصلاحات اقتصادی در ۱۹۹۱ بالاترین نرخ تعرفه در هند ۲۰۰ درصد بود اما در سال ۲۰۰۱ حقوق گمرکی پایه^۳ تا ۳۵ درصد کاهش یافت. «این نتیجه سیاست باز اقتصادی مانموهان سینگ^۴ وزیر دارایی با هدف کاهش قیمت‌ها، ایجاد رقابت در صنعت ارتباطات راه دور هند، جذب سرمایه خارجی و از بین بردن نظام مجوزگیری و فضای باز کسب و کار بود» (بهکیش: ۱۳۹۴).

سازمان توسعه تجارت ایران تغییرات تعرفه‌ای سال ۱۳۹۶ در ۲۸۲ ردیف را با افزایش دو برابری در برخی ردیف‌ها به‌منظور حمایت از تولید داخلی پیشنهاد داده است.^۵ «تعرفه‌های پیشنهادی جدید که به‌منظور حمایت از تولید داخلی از سوی سازمان توسعه تجارت افزایش یافته‌اند، یک روش ضد تولید داخلی است. شاهد مثال کشوری است که در خلال ۴۰ سال گذشته بالاترین نرخ‌های تعرفه را در جهان به اجرا گذاشته است و نه تنها تولید داخلی تقویت نشده بلکه در حال عقب‌نشینی دائمی بوده است. ایران و زیمبابوه بالاترین نرخ‌های تعرفه را در جهان به اجرا گذاشته‌اند. شاید روزی این دو کشور بتوانند اعتیاد به کرک و هرویین و شیشه را در کشورشان مداوا کنند ولی بعید می‌دانم اعتیاد به تعرفه‌ها به این زودی‌ها زدوده شود. تولید ۱۰۰ درصد داخلی نه معقول است و نه ممکن، در اقتصادی که تولید به واردات خارجی متکی است تعرفه مانعی دیگر بر سر راه تولید

^۱ Alexander Hamilton

^۲ Adam Smith

^۳ Basic Custom Duty

^۴ Manmohan Singh

^۵ <http://www.eghtesadonline.com>

داخلی است. راه حمایت از اقتصاد ملی فقط و فقط از واقعی سازی نرخ ارز می‌گذرد و مقابله با انتظارات تورمی با کاهش تعرفه‌ها مقدور خواهد بود. سیاست های تعرفه‌ای و ارزی ایران و زیمباوه مانند راننده‌ای است که در بزرگراه دنده عقب گرفته است» (سعدوندی، ۱۳۹۶). حمایت از کالای داخلی با توسل به افزایش نرخ تعرفه‌ها علاوه بر آن که به هدف اصلی خود نرسیده بستری برای سوء استفاده و رانت را فراهم می‌نماید تا جایی که وزیر بهداشت ایران در فرودین ماه سال جاری در پاسخ به انتقاد نمایندگان مجلس در خصوص حمایت از کالای ایرانی گفت: «در مجلس کسی نباید از شعار حمایت از تولید داخل سوء استفاده کرده و جنس بی‌کیفیت خود را دو برابر قیمت به مردم ارائه دهد»^۱. یکی از اثرات سیاست افزایش تعرفه‌ها پیامدهای اقتصادی چون؛ افزایش سودآوری فعالیت‌های زیرزمینی اقتصادی و دورزدن مبادی رسمی ورود کالا به کشور تحت عنوان قاچاق است. بررسی آمارهای اعلامی در ابتدای سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد قاچاق^۲ کالا یکی از معضلات پیش روی اقتصاد ایران است که تأثیرات اقتصادی آن سایر بخش‌ها را درگیر نموده، در این‌باره رئیس‌کل گمرک ایران در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا آمار واقعی قاچاق کالا از مبادی رسمی کشور را رقمی بین ۶۵۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار می‌داند^۳. هرچند برخی از کارشناسان اقتصادی و مقامات مسئول در سازمان تعزیرات حکومتی در مصاحبه با مشرق نیوز این رقم را عددی بین ۱۲ تا ۱۵ و گاهی تا ۲۵ میلیارد دلار نیز تخمین می‌زنند^۴. رحمانی فضلی وزیر کشور در اسفند ماه ۱۳۹۶ با حضور در کمیسیون اقتصادی مجلس به میزان ۲۱ میلیارد دلاری قاچاق در گذشته اشاره کرد و گفت؛ در حال حاضر میزان قاچاق در حدود ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار محاسبه می‌شود که بیانگر این است که دولت حدود ۵۰ درصد در مبارزه با قاچاق موفقیت داشته است^۵. همه گزارش‌های موجود صرف نظر از اختلاف در میزان آن دلالت بر وجود معطل قاچاق کالا در ایران دارد.

با این اوصاف این مقاله در پی یافتن و مطالعه زمینه‌ها و پیامدهای اقتصادی تعیین تعرفه کالاهای وارداتی در ایران است تا از این گذرگاه با رسیدن به یک نظریه بنیانی رابطه آن با توسعه اقتصادی در ایران را مورد واکاوی قرار دهد، زیرا تعرفه‌های گمرکی و میزان آن از مؤلفه‌های مهم اقتصادی در رابطه با توسعه هستند و از این زاویه می‌تواند به روشن شدن میزان تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت از صنایع داخلی و جلوگیری از قاچاق کالا و تبعات اقتصادی آن بی‌انجامد. نظام تعرفه‌ای موجود اگرچه در قالب یک سیاست اقتصادی و تجاری حمایت‌گرا و با شعار محافظت از

^۱ <http://www.saaalemnews.com/news/624>

^۲ Smuggling

^۳ www.irna.ir

^۴ www.mashreghnews.ir

^۵ www.isna.ir

بناگاه‌های داخلی در فضای رقابت بین‌المللی اعمال می‌شود، اما پیامدهای اجتناب‌ناپذیری چون از بین بردن کسب و کار رقابتی و افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رفاه مصرف‌کنندگان و نهایتاً محدود شدن تولید داخلی، گسترش فساد اداری و قاچاق کالا را به دنبال داشته است. مسأله بنیادی این تحقیق پاسخ به این پرسش‌ها با اتکاء بر درک مشارکت‌کنندگانی هست که در خط مقدم در سازمان گمرک ایران به عنوان یکی از کنش‌گران اجتماعی ناظر و عامل در این عرصه اقتصادی فعالیت داشته و از مجریان نظام تعرفه کالاها در کشور هستند.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- چگونه تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی به پیامدهای اقتصادی در سطح جامعه منجر می‌گردد؟
- ۲- پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالای وارداتی چیست؟
- ۳- آیا نحوه تعرفه‌گذاری کالا در ایران مطابق با معیارهای توسعه اقتصادی است؟

۱. اهمیت موضوع

انفکاک‌ناپذیری ابعاد مختلف پدیده‌های اقتصادی- اجتماعی، پیوند جامعه‌شناسی و اقتصاد را در جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد. اسملسر^۱ در مقدمه کتاب جامعه‌شناسی زندگی اقتصادی می‌گوید: «برای درک و پیش‌بینی هر وجهی از زندگی اجتماعی توجه به موضوع های اقتصادی ناگزیر می‌نماید، همچنین جنبه‌های غیراقتصادی زندگی اجتماعی نیز به سهم خود اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (اسملسر/کلاهچی، ۱۳۹۵: ۵۰). جامعه‌شناسی اقتصادی^۲ به مطالعه علل و اثرات اجتماعی پدیده‌های گوناگون اقتصادی می‌پردازد. جامعه‌شناسی و اقتصاد در محدوده‌هایی نظیر برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی- اجتماعی، به‌ویژه به هنگام پیش‌بینی موانع رشد و توسعه و بررسی شیوه‌های رفع آنها در حل مسائل و معضلات برنامه‌ریزی دارای حوزه کاری مشترک هستند. مطالعات جامعه‌شناسی اقتصادی در ایران با اقبال عمومی بین جامعه‌شناسان مواجه نگردیده است؛ «تضعیف جایگاه علم تجربی جامعه‌شناسی ناشی از روی کار آمدن یک جریان اقتصادی نئولیبرال در ایران بعد از جنگ که معتقد به عدم دخالت دولت در اقتصاد و ترجیح فرد به جمع بود، همچنین غفلت جامعه‌شناسان ایرانی از اقتصاد و سرگرم شدن آنها به فلسفه و فرهنگ بوده است» (اباذری، ۱۳۹۴: ۳). بنابراین توجه جامعه‌شناسان به مطالعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی برای

^۱ Smelser

^۲ Economic sociology

پرکردن خلاءهای موجود تحقیقاتی در حوزه اقتصادی و توسعه، نشانگر اهمیت و ضرورت انجام این تحقیقات است.

نگاه از زاویه جامعه‌شناسی اقتصادی به موضوع اقتصاد توسعه و تلاش برای بررسی یکی از پرچالش‌ترین مقولات اقتصادی یعنی تدوین نرخ تعرفه کالای وارداتی در کشوری که در مسیر اجرای برنامه‌های توسعه‌ای حرکت می‌کنند، برای رسیدن به بنیان‌های نظری و کاربردی نیل به اهداف توسعه‌ای، گامی جدید در علمی‌سازی برنامه‌هاست، از آنجاکه مطالعه حاضر فاقد سوابق منسجم و علمی در ایران بوده موضوعی است جدید که در بستر تئوریک جامعه‌شناسی توسعه به مسئله اقتصاد تعرفه و زیربناهای جامعه‌شناختی آن می‌پردازد. مطالعه حاضر به نوعی «تحقیق توسعه‌ای»^۱ محسوب می‌گردد زیرا قصد دارد با انجام کاری خلاقانه و نظام یافته به توسعه ذخیره علمی دانش متولیان تصمیم‌گیری در زمینه تجارت بین‌الملل و طرح کاربردهای جدید در ایران یاری رساند» (ازکیا، ۱۳۹۳: ۲۹۰).

مدیران و متولیان امر نیازمند دسترسی جامع و علمی به آخرین تجربیات و نتایج اجرای سیاست‌ها در این زمینه هستند، دیگر زمان آزمون و خطای روش‌های اقتصادی و اتخاذ تصمیمات آنی که می‌تواند تبعات طولانی مدت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه ایران داشته باشد گذشته و زندگی در جهان امروز و در کنار اقتصادهای نوظهور نیازمند افزایش توان رقابت‌پذیری تولید و اصلاح طرز تلقی صحیح از آنچه باید در حال و آینده برنامه‌ریزی و عمل شود، ضرورت انجام پروژه‌های تحقیقاتی در این خصوص را نشان می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش، ادبیات نظری و تجربی موضوع

مرکانتلیسم‌ها^۲ اولین نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه هستند که در سیاست گمرکی و تحصیل ثروت عقیده داشتند؛ «اگر کشوری قادر به تولید مواد خام در داخل نباشد باید بدون حقوق گمرکی این مواد را از خارج وارد کند. از طرفی، آنها طرفدار سیاست حمایتی از اقتصاد ملی بودند» (تفضلی، ۱۳۹۷). کلاسیک‌ها نیز با محوریت نظریات آدام اسمیت^۳ به اهمیت مبادله و تجارت توجهی خاص دارد. عصاره تفکرات اسمیت اصطلاحاتی نظیر «لیبرالیسم اقتصادی»، «آزادی اقتصادی» و یا «بگذار بشود، بگذار بگذرد»^۴، در قرن نوزدهم شهرت فراوانی یافت و مزیت‌های حاصل از مبادله را یادآور شد و منافع متقابل تجارت را براساس اصل مزیت مطلق مورد تأکید قرار می‌دهد. تجارت آزاد،

^۱ Development Research

^۲ Mercantilism

^۳ Adam Smith

^۴ Laissez-fair & Laissez-passer

تخصص و تقسیم کار بین المللی را سبب می شود، درآمد جهانی را افزایش و بهترین استفاده از منابع در سطح بین المللی را ممکن می سازد. درواقع توسعه صادرات و واردات، فضای بیشتر و فرصت های جدیدتری برای انباشت سرمایه داخلی و ظهور خلاقیت ها و نوآوری ها فراهم می کند» (متوسلی؛ ۱۳۹۶).

نظریه پردازان نئوکلاسیک یا نئولیبرال راه رسیدن به رشد اقتصادی بیشتر و در نتیجه سطوح بالاتر سلامتی و رفاه را از طریق کاهش دخالت دولت و دادن اجازه به بازار برای تعیین قیمت ها و دستمزدها می دانند. «جان تویه»^۱ (۱۹۹۳) این تغییر جهت در نظریه ی توسعه را به عنوان «ضدانقلاب» توصیف کرد که یکی از رهیافت های آن؛ کاربرد گسترده ی کنترل های اقتصادی مانند تعرفه ها، یارانه ها و سهمیه ها که قیمت ها را غیرواقعی می کند. بالاسا^۲ (۱۹۷۱) با به کارگیری تجربه های چهار کشور آمریکای لاتین و پنج کشور آسیایی، به بررسی نقش دولت در تشویق رشد اقتصادی از طریق صنعتی شدن تحت حمایت موانع تعرفه ای پرداخت. برای دوره ۶۰-۱۹۵۰ او استدلال کرد که نرخ های رشد در کره و تایوان بسیار بالاتر از هفت کشور دیگر بود که دلیل عمده ی آن اتخاذ راهبرد صادراتی تولید معطوف به بیرون بود. آنها رهیافت غیرحمایتی را پذیرفتند که اسمیت در سده ی هجدهم توصیه کرده بود. «کشورهایی که از راهبردهای توسعه متمایل به بیرون استفاده می کردند در زمینه صادرات، رشد اقتصادی و اشتغال بازده بالایی داشتند، درحالی که کشورهایی که راهبردهای متمایل به درون را ادامه می دادند، با مشکلات بی شمار اقتصادی مواجه شدند» (بالاسا، ۱۹۸۱).

یکی از مکاتب تأثیرگذار در بحث تعرفه ها مکتب اکلا^۳ است؛ «طبق تفسیر اکلا راهبردهای توسعه ی ملی باید شامل مداخله ی دولتی بیشتر در حمایت از صنایع ملی باشد تا به آن ها اجازه دهد خود را بدون رقابت با بنگاه های خارجی دایر کنند. آنچه راهبرد «صنعتی شدن جانشین واردات»^۴ نام گرفته بود در تعدادی از کشورها در سراسر آن منطقه با برخی موفقیت های اولیه پیاده شد. نتایج این راهبرد شامل ایجاد موانع تعرفه ای و حمایت از صنایع کارخانه های ملی در برابر بنگاه های خارجی کارآمدتر بود. بنگاه های مذکور توانستند محصولات خویش را ارزان تر بفروشند. افزودن تعرفه بالاتر بر واردات به این معنا بود که قیمت کالای شرکت های خارجی افزایش می یافت و در نتیجه بنگاه های بومی اجازه رقابت می یافتند» (ویلیس/جاجرمی و دیگران، ۱۳۹۳).

^۱ J, Toye

^۲ Bela Balassa

^۳ Economic Commission Of Latin America (ECLA)

^۴ Import Substitution Industrialization

«پربیش^۱ از بنیانگذاران اکلا به این نتیجه رسید که توسعه‌نیافتگی آمریکای لاتین به‌خاطر تأکیدش بر صادرات مواد اولیه بوده و راه حل آن تغییر ساختار است؛ یعنی صنعتی‌شدن با استفاده از راهبرد جایگزینی واردات (یعنی جانشین‌کردن تولید داخلی به جای واردات صنعتی با اعمال تعرفه حمایتی^۲) و درآمد ناشی از صادرات مواد اولیه برای هزینه کردن واردات کالاهای سرمایه‌ای^۳ به‌کار افتد، به‌علاوه نظارت دولت بر صنعتی‌شدن و ثبت شرکت‌های خارجی به‌طوری‌که این عوامل به شروع دادوستد محلی کمک کنند. این رهیافت به‌طور گسترده در آمریکای لاتین و احتمالاً در جهان سوم پذیرفته شد و در ابتدا به خاطر رشد سریع صنعت نتایج مؤثری به‌جای گذاشت. با این حال، با گذشت زمان سیاست جایگزینی واردات با هزینه‌های بالا و تولیدات صنعتی با کیفیت نازل، غفلت از کشاورزی که منجر به تخریب اقتصادی آن و بالاخره سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی همراه شد. به‌عبارت دیگر درمان به‌عنوان عامل بیماری مطرح شد» (پیت/ازکیا و دیگران، ۱۳۸۹).

پس از آن تحولات در عرصه نظریات اقتصاد توسعه به دیدگاه‌های مبتنی بر جهانی‌سازی رسیده است؛ «جهانی‌سازی منافع عظیمی چون موفقیت آسیای شرقی، به‌خصوص به‌خاطر استفاده از فرصت‌های تجاری و دسترسی بیشتر به بازارها و دانش‌های فنی را به‌دنبال داشته است» (استیگلیتز/گلریز، ۱۳۸۲: ۲۶۱). «در درازمدت، تجارت آزاد بین‌المللی منبعی برای رشد است. تجارت بین‌المللی در صورتی آزاد است که میانگین نرخ تعرفه زیر ۴۰ درصد، میانگین سهمیه و صدور مجوز برای پوشش واردات کمتر از ۴۰ درصد، تفاوت نرخ ارز بازار سیاه کمتر از ۲۰ درصد باشد» (بالدوین^۴، ۲۰۰۳).

«مطالعه‌ی دفتر ملی تحقیقات اقتصادی درخصوص پانزده کشور کم‌تر توسعه یافته نشان می‌دهد که ترویج صادرات عموماً مؤثرتر از جایگزینی فوق‌العاده حمایتی واردات در گسترش ستانده و اشتغال است. سیاست‌های نگاه به درون برای کشورهای کمتر توسعه یافته پرهزینه بوده، وابستگی آنها را به صادرات اندک و به حمایت و قدرت انحصار سرمایه‌پهی خارجی افزایش داده است» (نافزیگر/آزاد ارمکی، پیشین).

هرچند تاکنون پژوهش کیفی در زمینه تعرفه‌های گمرکی در ایران از منظر جامعه‌شناسی توسعه انجام نگرفته است، در اینجا برای تدقیق در ابعاد موضوع به برخی از تحقیقات کمی پیشین در زمینه تعرفه‌های گمرکی در ایران و جهان اشاره می‌شود؛

^۱ R, Prebisch

^۲ Tariff protection

^۳ Capital goods

^۴ R, Baldwin

- نوید بدری (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر تعرفه‌های گمرکی بر روی رقابت‌پذیری صنعت قطعه‌سازی خودرو در شرکت سایکو پرداخته و تأثیر تعرفه‌های گمرکی به‌عنوان یکی از ابزارهای حمایتی بر روی رقابت‌پذیری صنعت قطعه‌سازی خودرو را مورد مطالعه قرار داده است. بدین جهت چهار متغیر کیفیت، بهره‌وری، بهبود تکنولوژی و سهم بازار صنعت قطعه‌سازی انتخاب گردیده و سپس تأثیر تعرفه‌های گمرکی بر روی این متغیرها، با استفاده از پرسشنامه‌ای که بین کارکنان و نخبگان صنعت توزیع گردید سنجیده شد. سپس نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش تحلیل رگرسیون خطی تحلیل شده است. نتایج نشان‌دهنده عدم ارتباط بین تعرفه‌های گمرکی و بهره‌وری است. همچنین مشاهده می‌شود که بین تعرفه‌های گمرکی و کیفیت و بهبود تکنولوژی ارتباط ضعیف و ناچیزی وجود دارد. اما تعرفه‌های گمرکی بر روی سهم بازار صنعت قطعه‌سازی بسیار مؤثر است. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد شده تا در وضع سیاست‌های حمایتی تجدید نظر گردد و این حمایت‌ها به سمت فعالیت‌هایی نظیر کمک به تحقیق و توسعه و تقویت زیرساخت‌های فنی و اقتصادی سوق داده شود.

- مداح و پژویان (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان بررسی اقتصادی قاچاق در اقتصاد ایران به ارائه یک مدل نظری برای قاچاق کالا می‌پردازند. در این مقاله با استفاده از مدل شاخص‌های چندگانه و علل چندگانه MIMIC^۱ اندازه قاچاق کالا را در دوره زمانی (۸۱-۱۳۴۹) برای ایران به‌دست آورده‌اند. در این مقاله علاوه بر معرفی یک مدل نظری برای قاچاق مدل‌سازی تجربی متناسب با آن نیز برای برآورد اندازه قاچاق در یک سری زمانی صورت گرفته است. آنها با در نظر گرفتن مجموع نرخ ارز رسمی و تعرفه به‌عنوان هزینه واردات رسمی و نرخ ارز در بازار سیاه به‌عنوان هزینه قاچاق کالا به تعریف تابع سود مورد انتظار برای عمل قاچاق می‌پردازند. نتایج حاصل از این تخمین نشان می‌دهد، با افزایش موانع تجارتي مانند تعرفه هزینه واردات رسمی بالا می‌رود و به‌دنبال آن انگیزه برای تجارت غیرقانونی که معاف از سیاست‌های محدودکننده تجاری است افزایش می‌یابد که این امر با انگیزه حداکثرسازی سود از سوی عاملین قاچاق از طریق فرار از قوانین و مقررات تجاری با پاسخ‌گویی به تقاضای داخلی انجام می‌گیرد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ جرمه و تعرفه از مهم‌ترین عوامل توضیح‌دهنده روند قاچاق در طی این دوره بوده و اثر قاچاق بر شاخص قیمت کالاهای وارداتی از اثر آن بر درآمدهای عمومی واقعی دولت شدیدتر است.

- سمیه نعمت‌اللهی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای خود با عنوان نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران، فرار مالیاتی در اقتصاد غیررسمی ایران را بررسی نموده است که در آن افراد و عوامل تجاری با

^۱ Multiple-Indicators Multiple Causes

فرار از پرداخت مالیات، حقوق قانونی خود را به دولت پرداخت نمی‌کنند. عوامل متعددی بر روی فرار مالیاتی مؤثرند، از آن جمله می‌توان به تعرفه‌های وارداتی و مالیات بر واردات اشاره کرد. از سوی دیگر در صورتی که تجار و بازرگانان کالای خود را به مراجع گمرکی اظهار نکنند یا مالیات و عوارض متعلقه را پرداخت نکنند، مرتکب نوعی عمل قاچاق شده و از این طریق فرار مالیاتی صورت می‌گیرد در این تحقیق با استفاده از داده‌های تابلویی به بررسی اثر افزایش نرخ تعرفه بر روی فرار مالیاتی براساس داده‌های ۶ رقی در طبقه‌بندی هارمونیک سیستم در واردات ایران در دوره (۲۰۰۳-۲۰۰۸) پرداخته شده است. فرار تعرفه‌ای به صورت تفاوت میان ارزش صادرات گزارش شده به ایران توسط ۱۲ شریک مهم تجاری و ارزش واردات گزارش شده از شرکای تجاری توسط ایران طی سال‌های مورد بررسی تعریف شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل‌های فرار مالیاتی رابطه مستقیم و معنی‌دار میان فرار مالیاتی و نرخ تعرفه را تأیید می‌کند نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که افزایش ۱ درصدی نرخ تعرفه که جزئی از مالیات‌های غیرمستقیم می‌باشد، فرار مالیاتی را در کل به اندازه ۰٫۶۷ درصد افزایش می‌دهد. ضریب نرخ تعرفه برای نرخ تعرفه بالاتر از میانگین ۰٫۰۸ می‌باشد و در سطح ۱ درصد معنادار است، این بدان معنی است که هر ۱ درصد افزایش در نرخ تعرفه باعث افزایش ۰٫۸ درصد در سطح شکاف تجاری که به عنوان شاخصی از فرار مالیاتی در نظر گرفته شده است، می‌شود. در حالتی که نرخ تعرفه پایین‌تر از میانگین است این ضریب مثبت اما بی‌معنی است.

- دین^۱ و همکاران (۱۹۹۴) رفتار مالیات بر واردات را (به صورت درصدی از کل واردات) قبل و بعد از انجام اصلاحات تجاری مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج در اکثر موارد، حاکی از آن است که به دنبال سیاست‌های آزادسازی، رشد واردات افزایش یافته است. اما به طور قطع نمی‌توان بر یک رابطه محکم بین آزادسازی تجاری و رشد واردات، آن هم بر پایه کاهش تعرفه‌های وارداتی تأکید نمود؛ زیرا بعضی از کشورها، روش‌های متفاوتی را در فرآیند اصلاح پذیرفته و موانع غیرتعرفه‌ای فرآوری تجارت نیز توانسته است بر رشد واردات مؤثر واقع شود. به علاوه در برخی کشورها در جهت حذف موانع غیرتعرفه‌ای، معادل تعرفه‌ای این موانع را به تعرفه‌های قبلی افزوده‌اند و در مجموع تعرفه‌های وارداتی افزایش یافته است.

- فیسمن^۲ و وی^۳ (۲۰۰۴) به تخمین اثر نرخ مالیات روی فرار مالیاتی به وسیله تخمین ارتباط بین برنامه‌های تعرفه‌ای در چین و شکاف فرار پرداخته‌اند، که این شکاف به وسیله اختلاف صادرات گزارش شده توسط هنگ کنگ به چین و واردات گزارش شده توسط چین از هنگ کنگ

^۱ Dean

^۲ Fisman

^۳ Wei

تعریف می‌شود. در غیاب فرار مالیاتی گزارش‌های هر دو کشور از واردات و صادرات باید یکسان باشد. نتایج این محاسبات نشان می‌دهد یک درصد افزایش در نرخ مالیات باعث افزایش ۳ درصدی فرار مالیاتی می‌شود. این همبستگی منفی بین شکاف تجاری و نرخ مالیات بر این امر دلالت می‌کند که فرار مالیاتی در گروه کالاهایی که نرخ مالیات بالاتری دارند، نسبت به کالاهایی که نرخ مالیات پایین‌تری دارند، بیشتر رخ می‌دهد. در این مقاله داده‌ها برای صادرات و واردات در سطح کالاهای ۶ رقمی در سیستم هارمونیک HS انتخاب شده‌اند.

- میرشا^۱، سابرامانین^۲، تاپالووا^۳ (۲۰۰۸)، اثر سیاست‌های تعرفه‌ای را بر روی فرار از حقوق گمرکی با اعمال قوانین تجاری در هند در دهه ۱۹۹۰ به وسیله به‌کارگیری تغییر در نرخ تعرفه در طول زمان و تولیدات متفاوت بررسی می‌کند. این مطالعه یک چهارچوب ساده برای ارتباط بین فرار مالیاتی، نرخ تعرفه و اعمال قوانین در یک تحلیل تجربی ارائه می‌دهد. این چهارچوب به‌ویژه برای تحلیل اثر اعمال قانون بر روی کشش فرار مالیاتی مؤثر است. در این مدل یک بنگاه را که یک مقدار ثابتی در واردات دارد به‌عنوان نمونه در نظر گرفته است. مهم‌ترین نتیجه به‌دست آمده در این مقاله را می‌توان این طور بیان نمود که با افزایش حدود ۱٪ در نرخ مالیات حدود ۰/۱ درصد افزایش در فرار مالیاتی به‌وجود خواهد آمد.

۳. روش اجرای تحقیق

این مطالعه، پژوهشی کیفی با روش نظریه بنیانی^۴ است. «در این روش، بر مصاحبه و مشاهده برای تولید داده‌های تجربی، جذب پژوهشگر در میدان پژوهش، جلب اعتماد افراد مورد بررسی و به‌کارگیری هرگونه روش مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات تأکید می‌شود» (ازکیا و دیگران، ۱۳۹۰). در این تحقیق با تبعیت از اصول نظریه بنیانی تلاش نمودیم تا حد امکان به موضوع تحقیق نزدیک شویم، هدف، آغاز یک سفر اکتشافی بود به این معنی که بدون یک ایده کلیشه‌ای و ثابت به سوی میدان تحقیق گام برداشتیم و در جریان پژوهش توانستیم ابعاد مختلف موضوع را از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق که همان مصاحبه‌شوندگان ما بودند مورد کنکاش قرار دهیم. مطالعه اولیه این تحقیق با یک پرسشنامه باز که دارای ۱۷ سؤال مختلف از حوزه‌های موردنظر مرتبط با موضوع، که همگی از پیشینه نگاشته‌ها، تحقیقات قبلی و نظریه‌های جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه استخراج شده آغاز گردید. این سؤالات در طول تحقیق بارها مورد بررسی مجدد از طریق

¹ Mishra

² Subramanian

³ Topalova

⁴ Grounded Theory

طرح پرسش‌های جدید قرار گرفته است. در این مطالعه سؤالات در زمینه ابعاد اقتصادی، نرخ تعرفه کالای وارداتی و رابطه آن با توسعه اقتصادی مطرح و به بررسی ابعاد موضوع پرداخته شد. از مشارکت‌کنندگان خواسته شد نظرات خود را در قالب مصاحبه اعلام نمایند. نسخه‌های مختلفی از سؤالات در زمان انجام پژوهش ایجاد شد به این صورت که در ابتدا سؤالات اصلی تحقیق پرسیده شد پس از آن در جریان انجام مصاحبه‌ها سؤالات جدیدتری ایجاد و پرسیده شده تا جایی که به مفاهیم مورد نظر از باب اشباع نظری دست یافتیم.

پس از انجام مصاحبه‌ها داده‌های خام حاصل از آن پدیدار گشت که فضای گفتمانی قالب در موضوعات و مباحث مطرح شده در مصاحبه‌ها را به ما نشان می‌دهد. در این تحقیق از مصاحبه، گزارشات دوره‌ای سازمان گمرک و مشاهدات میدانی محقق در طول تجربه‌کاری در سازمان گمرک ایران استفاده شده است.

مصاحبه‌ها بصورت نیمه‌ساختاریافته که از رایج‌ترین شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها بوده و عمومیت بیشتری دارد استفاده شده است، ما با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به مشارکت‌کنندگان آزادی عمل بیشتری برای هدایت جریان گفتگو دادیم در این میان محقق با استفاده از تجربه‌کاری خود در جامعه مورد مطالعه به‌عنوان یکی از اعضاء به مطالعه عمیق در میدان، همراه با مشارکت‌کنندگان پرداخت تا به این صورت به روایت‌های مستقیم و تجارب دست اول آنها از پدیده مورد نظر دست یابد. در این راستا محقق با توجه به شناخت قبلی خود از جو حاکم بر سازمان و کارکنان آن در صحبتی مقدماتی با مشارکت‌کنندگان نسبت به موضوع تحقیق و ابعاد و چرایی آن توضیحات لازم را داده و با ذکر این نکته که نتایج تحقیقات و مصاحبه‌های انجام شده به‌صورت کد و بدون ذکر نام آنها منتشر خواهد شد و تمامی اسامی نزد محقق محفوظ خواهد ماند، آنها می‌توانند بدون هیچ بیم و هراسی پاسخ‌های خود را اعلام نمایند و روایت‌های دست اول و تجربیات خود را از موضوع با محقق در میان گذارند. نکته بسیار حائز اهمیت در روند جلب اعتماد افراد جو صمیمانه ایجاد شده‌ای بود که منجر شد حقایق بدون سانسور مطرح شود لذا بدین صورت موفق به جلب اعتماد آنها و شروع کار گردید. پس از این اعتمادسازی، این بخش با مجموعه‌ای از پرسش‌ها و مباحث تدوین شده به‌جای پرسش‌های دقیق و منظم و کاملاً از پیش تعیین‌شده، فهرستی از آنچه که باید مورد بررسی و پرسش قرار گیرد به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد و با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان و به جهت صرفه جویی در زمان و دقت بیشتر، مصاحبه‌ها ضبط شدند سپس فایل‌های صوتی به‌صورت دقیق تایپ و ذخیره گردید. مصاحبه‌ها در محل کار افراد در ساعات ابتدایی شروع کار اداری یا ساعت استراحت که افراد فراغت کافی برای تمرکز روی مفاهیم و موضوعات داشته باشند صورت گرفت چرا که به‌نظر می‌رسید بودن در جو و اتمسفر سازمانی

می‌تواند مباحث را از خاطره‌گویی و حاشیه‌ها به سمت نگاه‌های تخصصی و کارشناسانه سوق دهد. مدت زمان مصاحبه گاهی از ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامد. بازده زمانی انجام مصاحبه‌ها از زمستان ۱۳۹۷ آغاز و تا تابستان ۱۳۹۸ ادامه داشت. در این پژوهش از یادداشت برداری به‌عنوان یکی از فنون اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شده است. مکان پژوهش حاضر که تأمین‌کننده شرایط مورد نظر باشد سازمان گمرک ایران و ادارات گمرکات اجرایی واقع در تهران می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در این طرح تحقیقی شامل ۲۰ نفر از کارشناسان گمرک هستند که انتخاب آنها براساس سوابق شغلی و تحصیلی و شامل افرادی بوده که در حوزه تخصصی گمرک و مسائل مربوط به تعرفه‌ها و ابعاد اقتصادی آن آشنایی کامل و تجربه‌های مرتبط کاری لازم را داشته‌اند و مشخصات آنها در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

جدول شماره ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

متغیرهای زمینه‌ای	فراوانی
گروه‌های سنی	۳۰-۴۰
	۴۰-۵۰
تحصیلات	کاردانی
	کارشناسی
	کارشناسی ارشد
	دکتری
	۹
	۱۰
	۲
	۸
	۹
	۱

در این مطالعه محقق از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری بهره‌برداری نموده است. برای گزینش افراد مورد مصاحبه از نمونه‌گیری هدفمند و برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل مناسب داده‌های مورد نظر و یافتن مسیر پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. مشارکت‌کنندگان از کارشناسان گمرک و از همکاران سازمانی محقق بودند که این آشنایی با محیط زمینه مناسبی برای گزینش گردید. در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر به دنبال مقولات بیشتر، در گستره‌ای از زمینه‌های مرتبط، به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت نمود. پس از آن که مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از میان کارکنان با سابقه گمرک ایران انتخاب شدند، با انجام مصاحبه‌ها و کدگذاری اولیه، مشخص گردید متغیر تجربه کاری عامل مهمی در یافتن مفاهیم مورد نظر است لذا با استفاده از نمونه‌گیری نظری از آنها خواسته شد براساس سوابق و تجربیات خود به سؤالات به‌صورت آزادانه و فارغ از چهارچوب آنها پاسخ دهند و روایات خود را از آنچه در جریان است مطرح نمایند و در مواردی نیز مشارکت‌کنندگان افرادی که در حوزه مربوط به تعرفه‌ها و صادرات و

واردات تخصص و تجربه بیشتری داشتند را معرفی می‌نمودند تا محقق بتواند با آنها نیز گفتگو کند و زوایای موضوع را بررسی بیشتری نماید. همچنین مشارکت‌کنندگان براساس پاسخ‌هایی که به برخی سؤالات اولیه دادند به دو گروه مجزا تقسیم و سؤالاتی از مصاحبه‌های اولیه طرح و مجدداً پرسش‌ها با گروه دیگر بر اساس مفاهیم حاصل شده از مصاحبه‌ها پرسیده شد و بدین صورت از تکرار سؤالات مشابه جلوگیری گردید. هرچند انجام کار تا حدی سخت و زمان‌بر بود اما منجر به جمع‌آوری داده‌های لازم شد. این شیوه موجب برانگیختن حس اعتماد بین عاملین تحقیق بود و این اطمینان موجب گردید مشارکت‌کنندگان بدون ترس از تبعات پاسخ‌گویی صریح اعلام نظر نموده و تجارب خود را در خصوص موضوع تحقیق به اشتراک گذارند. استفاده از دو شیوه نمونه‌گیری توانست به کشف مفاهیم و مقولات جدیدتر و رهایی از تکراری بودن سؤالات یا پاسخ‌های مشابه منجر و کار را به انجام مصاحبه‌های بهتر و در نهایت کشف داده‌های جدیدتر رهنمون سازد. جمع‌آوری داده‌ها تا هنگامی که مقوله‌های اصلی ظاهر شوند، ضروری است. «بنابراین نمونه‌گیری نظری تا هنگامی که مقوله‌ها به اشباع نظری^۱ برسند، ادامه خواهد یافت. اشباع ارتباط نزدیکی با حجم نمونه دارد. اشباع عبارت است از اینکه داده‌های جمع‌آوری شده، تکرار داده‌های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی حاصل نشود» (همان: ۶۴).

«در پژوهش کیفی، نمونه‌گیری آنقدر ادامه می‌یابد تا اشباع نظری حاصل شود. به عبارت دیگر، گردآوری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که افزایش اطلاعات به ایجاد مفاهیم، مقولات، خرده مقولات و تنوع‌های جدید منجر نشود. با اینکه ممکن است هرگز اطمینان صددرصد حاصل نشود، اما پژوهشگر آنقدر نمونه‌گیری می‌کند تا خود و خوانندگان متقاعد شوند که همه نکات مورد توجه قرار گرفته است» (محمودی، ۱۳۸۷). از آنجاکه معیار مشخص و کمی چه در بعد تعداد مشارکت‌کنندگان و چه در بعد جمع‌آوری داده‌ها برای سنجش اندازه نمونه در روش تئوری بنیانی وجود ندارد بنابراین با تکیه بر اشباع نظری داده‌ها که آن هم از قوی بودن اطلاعات جمع‌آوری شده و تجارب محقق در طول انجام تحقیق ناشی شد، توانستیم اندازه نمونه را تعیین نماییم. بدین صورت که در فرآیند تحقیق پژوهشگر به این درک رسید که ادامه مصاحبه‌ها به کشف مفاهیم جدید و غیرتکراری منجر نمی‌گردد در اینجا با تبحری که شخص محقق، در جریان کار پیدا کرد همچنین با آشنایی او با موضوعات، این رویه تا آخرین مشارکت‌کننده ادامه یافت تا به اطمینان از حصول اشباع نظری منجر گردید، این اتفاق زمانی افتاد که محقق به این نتیجه رسید که پاسخ‌ها بسیار شباهت یافته و به تکرار مکررات در مصاحبه‌ها منجر شده است و دیگر کشف جدیدی از مفاهیم روی نخواهد داد و به بسندگی تعداد مصاحبه‌ها رسید این اتفاق در مصاحبه با پانزدهمین

^۱ Theoretical Saturation

مشارکت‌کننده حادث شد لیکن به جهت اعتبارسنجی اقدامات تعداد دیگری مصاحبه برای اطمینان انجام دادیم. سرانجام این تحقیق با مصاحبه با ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان که اندازه نمونه ما را تشکیل دادند به اشیاع داده‌ها رسید.

روش نظریه بنیانی شامل سه نوع کدگذاری می‌شود؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

در این پژوهش پس از استخراج داده‌های خام از مصاحبه‌ها و کدگذاری سطر به سطر آن، مقوله‌های ابتدایی نمایان شد. این مرحله با کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها صورت گرفت و به هر مفهوم در جریان مصاحبه برچسبی الصاق و براساس خصوصیات و ویژگی‌های هر مفهوم، تعداد بسیاری کدهای باز و خام پدیدار گشت در ادامه انجام کدگذاری باز، مفاهیم و مقولات فرعی ظاهر گردید. «با تعیین مفاهیم و مقولات، مرحله کدگذاری باز پایان می‌یابد. در این زمان، پژوهشگر مقولاتی دارد که باید آنها را در نظامی منطقی برای تولید نظریه قرار دهد. کدگذاری محوری فرآیندی است که مقوله‌های اصلی و فرعی آنها بسط می‌یابند» (اشتروس^۱ و کوربین^۲: ۱۹۹۰).

در مرحله کدگذاری محوری همه مقولات حاصل از تحقیق در شش بعد مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ مدل پارادایمی شامل «شرایط علی^۳»، «پدیده^۴»، «زمینه^۵»، «شرایط مداخله‌گر^۶»، «راهبردها/ تعامل^۷» و «پیامدها^۸» است. به‌عنوان مثال در این تحقیق از میان داده‌ها براساس کدگذاری باز، پدیده بسترهای فسادساز اداری که یک رویداد یا یک واقعیت است (پدیده) که در گمرک (زمینه) به‌دلیل تأثیرات شرایط کاری همچون اعمال تعرفه‌های بالای گمرکی و وجود موانع تجاری (شرایط علی) و شرایط ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه و دخالت‌های دولتی در عرصه اقتصاد (شرایط مداخله‌گر) پدیدار شده است و به راهبردها و تعاملاتی چون، استفاده از گمرک الکترونیک، تغییر مداوم قوانین و بخشنامه‌ها و تغییر تعرفه‌ها اجرا شده (راهبردها/تعامل) که به پیامدهایی چون افزایش پرونده‌های فساد در محاکم قضایی، کولبری و قاچاق (پیامدها) منجر شده است. در اینجا محقق دوباره با طرح سؤالاتی از خود و رجوع به داده‌ها، انتخاب مقوله محوری را آسان‌تر می‌کند سؤالاتی چون؛ این مفاهیم و مقولات چه اطلاعاتی به من می‌دهند؟ یا چه اقدامات

¹ Strauss

² Corbyn

³ Causal conditions

⁴ Phenomenon

⁵ Context

⁶ Intervening conditions

⁷ Action strategies

⁸ Consequences

و تعاملاتی از سوی کارکنان یا سازمان در داده‌ها مورد توجه واقع شده است؟ محقق با یکپارچه‌سازی مقوله‌ها بدنبال تکمیل نظریه نهایی تحقیق و تعیین مقوله مرکزی است. محقق در این مطالعه برای عینیت بخشی به داده‌ها از استراتژی‌های مختلفی استفاده نموده است از آن جمله می‌توان به استراتژی مدون اعتباربخشی به تحقیق، استراتژی پذیرش در بین مصاحبه‌شوندگان و مقبولیت بین آنها، بررسی مداوم محیطی و گفتگو با کارکنان گمرک به صورت چهره‌به‌چهره، درواقع عضویت محقق در سازمان و آشنایی محیطی تأثیر مطلوبی در جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان داشت. اینجا محقق نقش یک مشارکت‌کننده فعال را داشت تا منفعل. استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و واتس آپ برای به اشتراک‌گذاری برخی نظرات و واکاوی مجدد آنها، بهره‌برداری از نظریات تکمیلی مشارکت‌کنندگان و بررسی مجدد و دقیق نوشته‌ها و شنیدن چندباره فایل‌های صوتی را می‌توان اشاره نمود. با این شیوه‌ها محقق به‌طور مداوم تفسیرهای تحلیلی خود از داده‌ها را توسعه داد و از این طریق به جمع‌آوری داده‌های بیشتر دست یافتیم و به‌صورت مداوم پس از هر بار جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل‌های نظری خود را اصلاح و تعدیل نمودیم و در بین این دو مرحله، به‌طور مداوم حرکتی رفت و برگشتی داشتیم. در این روش، با درگیری کامل پژوهشگر با موضوع مورد بررسی و امکان تحلیل‌های مجدد و رفت و برگشت فراوان بین نظریه که در برگیرنده تحلیل داده‌ها و میدان تحقیق که همان بخش گردآوری داده‌ها بود، در جریان زیگزاگی تلاش نمودیم شناخت نظری دقیقی از پدیده مورد بررسی فراهم نماییم. در این مطالعه در حین بررسی یافته‌ها و مقولات حاصل شده به دفعات به منابع و تحقیقات دیگر در زمینه تعریف‌ها و نظریه‌های اقتصادی برای مستندسازی نتایج ارجاع و مورد استفاده قرار دادیم، هدف توصیف این موضوع است که چگونه کنش‌گران خود بر پایه چگونگی دیدشان از جهان عمل می‌کنند و نه بر پایه اینکه جهان از نظر مشاهده‌گر بیرونی چگونه است. سرانجام با اتکاء به مراحل مختلف روش نظریه بنیانی؛ در کدگذاری سطر به سطر، تعداد ۴۴۶ داده خام از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به‌دست آمد که با استفاده از سه روش طرح پرسش، مقایسه و مراجعه مکرر به داده‌ها، داده‌های خام اولیه تبدیل به مفاهیم شد. تعداد این مفاهیم ۱۴۲ مورد و مفاهیم حاصله شامل ۸۳ مقوله فرعی و ۱۳ مقوله اصلی است.

۴. یافته‌های پژوهش

تعریف‌های گمرکی سازوکار اقتصادی تأثیرگذاری در اقتصاد یک کشور از طریق ایجاد موانع و یا تسهیل تجارت خارجی است، زمینه‌های اقتصادی که می‌تواند بر نحوه تعیین این مکانیسم اثرگذار باشد و سرانجام پیامدهایی که این ابزار اقتصادی در سطح جامعه ایجاد می‌نماید موضوعی است که در این مقاله از نگاه افراد درگیر در خط مقدم اجرای چنین سیاست‌هایی مورد بررسی قرار گرفته و

ابعاد و پیامدهای اقتصادی آن واکاوی شده است. پس از پایان مرحله جمع‌آوری داده‌ها، با بهره‌گیری از الگوی اشتروس و کوربین (۱۹۹۸) شروع به استخراج مفاهیم با تکنیک برچسب‌گذاری مفاهیم^۱ و سپس آنالیز داده‌ها نمودیم، تکنیک برچسب‌گذاری مفاهیم از داده‌های خام مشارکت‌کنندگان، به محقق در مقایسه مفاهیم با یکدیگر کمک می‌کند، منابع این مفاهیم متنوع بوده و از میان داده‌ها، خلاقیت ذهنی محقق و همچنین حساسیت نظری به‌دست می‌آید. جدول شماره ۲ فرآیند ساخت برخی مفاهیم حاصله از داده‌های خام را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. کدگذاری اولیه داده‌های تحقیق

داده های خام	مفاهیم اولیه	مقولات فرعی	مقوله اصلی
- تعرفه بالا مانع ورود تکنولوژی مدرن به کشور - تعرفه‌های گمرکی بالا در ضدیت با توسعه - تعرفه بالا نشانه عدم توسعه اقتصادی - تسهیل تجارت و شفاف‌سازی نیازمند میانگین تعرفه‌های پایین‌تر - صنعت مونتاژکاری نه تولیدی - تجارت آزاد موجب تخصی شدن تولید صنعتی - تعرفه حمایتی در یک بازده زمانی محدود - صرفه اقتصادی قاچاق - بی‌توجهی به اصول اقتصاد آزاد - نداشتن توجیه علمی برای تعرفه‌ها - عقلانیت اقتصادی شعار تا واقعیت - عدم کارکرد مثبت تعرفه‌ها در واردات کالاهای لوکس - تضییع حقوق دولت در تعرفه بالای گمرکی - در آمد در پوشش حمایت از کالای داخلی - هدف دولت در آمدزایی تا حمایت‌گری - تعرفه‌ها در آمدی برای هزینه‌های دولتی - کاهش تعرفه‌ها، پذیرش قواعد جهانی	- تعرفه بالا مانع صنعتی شدن - چالش در ابعاد توسعه - ضدیت با توسعه - سیستم تعرفه‌ها مانع توسعه - تعرفه و تأثیر آن بر کیفیت کالای داخلی - صنعتی شدن و تسهیل تجارت - حمایت‌گری موزون و زمان‌مند - افزایش قاچاق - استفاده نکردن تصمیم‌گیران از - تجارب جهانی در تعرفه - شناخت از موفقیت کشورهای توسعه‌یافته - بی‌توجهی تصمیم‌گیران به - معیارهای جهانی تجارت - نبود حمایت زمان‌مند - تصمیمات غیرکارشناسی - عدم شناخت اقتصاد جهانی	- تعرفه‌ها چالش - توسعه اقتصادی - حمایت‌گری - ناموزون دولتی - رونق قاچاق - ناعقلانیت اقتصادی - تعرفه ابزاری - درآمدی - جهانی‌شدن اقتصاد	- ابعاد و پیامدهای اقتصادی - تعرفه‌های گمرکی

^۱ Conceptual naming & labelling technique

تجارت				
-------	--	--	--	--

دسته‌بندی مفاهیم مشابه و هم‌معنی یا به تعبیری هم‌وزن به پیدایش مقوله‌های فرعی از مفاهیم مورد بررسی منجر گردید. مفاهیمی که از داده‌های خام حاصل از مصاحبه با کارشناسان گمرک به‌دست آمد در نتیجه تکرارپذیری تا مرحله‌ای که اشباع نظری حاصل گردید به‌صورت مداوم مورد کنکاش قرار گرفت در اینجا میزان تکرار و تاثیرگذاری آنها مورد نظر بوده است. پس از آن با مقایسه مفاهیم با یکدیگر و مراجعه به یادداشت‌های نظری که در جریان مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری شده بود، مقولات مربوطه ساخته شد، محقق به‌طور دائم در داده‌های گردآوری شده غوطه ور شده و مدام از تکنیک پرسیدن و مقایسه کردن استفاده نموده است.

پس از تعیین مفاهیم و مقولات، مرحله کدگذاری باز پایان می‌پذیرد و ما مقولاتی داریم که باید آنها را در نظامی منطقی برای تولید نظریه قرار دهیم، قبل از این اقدام اما، مقوله‌ها در پرتو داده‌های واقعی پالایش شده و ارتباط آنها با یکدیگر مشخص گردید. این اقدامات در مرحله کدگذاری محوری و ساخت مدل پارادایمی انجام گرفت. این مدل محقق را قادر خواهد ساخت تا درباره داده‌ها

به‌طور منظم بی‌اندیشد و آنها را به شیوه‌های پیچیده مرتبط کند. شکل شماره ۱ مدل پارادایمی مربوط به ابعاد و پیامدهای اقتصادی تعرفه‌های گمرکی، حاصل برقراری این نظم منطقی است.

۴-۱. مدل پارادایمی مربوط به ابعاد و پیامدهای اقتصادی تعرفه‌های گمرکی:



شکل شماره ۱. مدل پارادایمی

۴-۲. شرایط علی

مجموعه عواملی که موجب ایجاد مسائل و مشکلات مربوط به یک پدیده می‌شوند را شرایط علی گویند. در مدل پارادایمی ما شرایط علی پدیده ابعاد اقتصادی تعرفه‌ها عبارتند از؛ موانع تجارت آزاد، نبود مزیت نسبی تولید، ساختار نابه‌سامان اقتصادی، صرفه اقتصادی خلاف‌کاری، مافیایی بودن اقتصاد، رانت‌های اقتصادی، عدم شفافیت اقتصادی، ناکارآمدی اقتصادی، نبود عدالت اجتماعی و اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد، اقتصاد دستوری، بی‌برنامه‌گی نظام اقتصادی و تعدد متولیان تجارت است.

موانع تجارت آزاد شامل همه محدودیت‌هایی می‌شود که جریان بازار آزاد را تحت تأثیر خود می‌گذارد. دولت‌ها با ایجاد موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای سعی در اعمال برنامه‌ها و سیاست‌های مورد نظر خود را دارند این موانع یکی از شرایط علی پدیده ابعاد اقتصادی تعرفه‌هاست.

اکثر اقتصاددانان کلاسیک در این باره بحث می‌کردند که نظام بازارها دارای یک سازوکار تثبیت خودکار توزیع است که بدون دخالت دولت به‌طور کارآمد کار می‌کند. «آزادی کسب و کار» و «عدم مداخله‌ی دولت» از شرایط اولیه‌ی اسمیت برای عملکرد اقتصاد آزاد و رقابتی است. اسمیت معتقد است که دولت‌ها به‌طور کلی ضعیف و مسرف بوده و به زیان جامعه خرج می‌کنند. اساساً اسمیت از تجارت آزاد بین کشورها حمایت می‌کند ولی در عین حال درباره‌ی مواردی بحث می‌کند که با وضع تعرفه‌ها و سایر محدودیت‌های تجاری از منافع داخلی حمایت می‌شود. مثال دیگر مربوط به وظایف دولت، مالیات وضع شده بر صنایع داخلی بود. عوارض گمرکی مناسب باعث می‌شود تا رقابت بین کالاهای داخلی و وارداتی نسبت به زمان قبل از وضع مالیات همچنان ادامه داشته باشد» (بوساندلین و دیگران/ ارباب، پیشین).

در این باره مصاحبه‌شونده کد ۱۴ می‌گوید؛ «نفس وجود برخی موانع که در زمان‌هایی کاملاً راه تجارت آزاد را می‌بندد خود از عوامل ایجاد رانت است. ثبت سفارش کالا یکی از این موارد است گاهی جلوی آن بسته می‌شود و در مواقعی باز است در این میان اجازه یا عدم اجازه ورود کالا خود رانت برای برخی ایجاد می‌کند و می‌توانند کالای خود را گران‌تر در بازار بفروشند. درواقع تجارت در ایران هفت‌خوانی است که در پیچ و خم آن دائماً مفسده و رانت ایجاد می‌گردد و علت عدم رعایت اصول علم اقتصاد بازار و آزادی اقتصادی است به‌نظر می‌رسد تمامی این شرایط به مافیایی بودن و وابستگی تصمیمات اقتصادی به اصحاب قدرت و مافیا منجر می‌گردد».

نبود عدالت اجتماعی به‌معنی دسترسی همگانی به امکانات و بهره‌برداری از شرایط یکسان و عدالت اقتصادی به‌معنی برابری در استفاده از فرصت‌های اقتصادی برای همه شهروندان یکی دیگر از عللی است که مشارکت‌کنندگان آن را مورد تأکید قرار داده‌اند از این روی می‌شود آن را جزیی از

شرایط علی به حساب آورد وقتی مصاحبه‌شونده کد ۱۹ با صراحت می‌گوید؛ «رانت تعرفه‌ای مانع عدالت اجتماعی برای مصرف‌کننده کالا می‌گردد و حمایت‌گری طولانی مدت دولت یکی از اسباب این معضل اقتصادی و به تبع آن اجتماعی است. به نظر من اقتصاد ایران نوعی مافیاست که نقش بسیار مخربی در جامعه بازی می‌کند. ما با یک نظام اقتصاد قبیله‌ای مواجه‌ایم که عدم شفافیت و دولت در سایه تصمیم‌ساز اقتصادی شده و باندهای قدرت از تعرفه‌ها به‌عنوان رانت تولید استفاده می‌کنند».

اقتصاد دستوری به معنی اتخاذ تصمیمات آنی و ابلاغ و اجرای آن بدون توجه به سایر فاکتورهای اقتصادی که می‌تواند نتایج زیان‌باری برای اقتصاد کلان، کنش‌گران این عرصه و شهروندان داشته باشد. معنی این اقتصاد دستوری و دولتی در این جملات روشن است، مصاحبه‌شونده کد ۴ می‌گوید؛ «در همه جای سیاست‌ها رد پای دولت نه به‌عنوان یک برنامه‌ریز که به‌عنوان یک عامل اقتصادی قابل مشاهده است این اقتصاد دستوری کارشناسی شده نیست و مقطعی و با دستور از بالا می‌خواهد با بخش‌نامه و دستورالعمل علم اقتصاد را به چالش و نتایج رویایی از آن بگیرد که می‌بینیم نشده و نمی‌شود همه این پروژه حمایت‌گری یک رانت اقتصادی است که حاصل اقتصاد دولتی است و نمی‌گذارد قواعد بازار کار را اصلاح کند».

وقتی صحبت از صرفه اقتصادی خلاف کاری می‌شود بستری را نشان می‌دهد که تعرفه‌گذاری کالا آن را ایجاد کرده است به شکلی که مشارکت‌کنندگان در گفته‌های خود آنرا در موارد متعدد بیان می‌کنند؛ مصاحبه‌شونده کد ۹ می‌گوید؛ «زمینه‌سازی قاچاق با افزایش تعرفه‌ها فراهم می‌شود اولاً صرفه اقتصادی در تعرفه بالا کم می‌شود دوماً سرعت عمل در تجارت غیررسمی در ایران به گونه‌ای شگفت‌انگیز بالاست شما می‌بینید سریعاً کالای قاچاق وارد و توزیع می‌شود و دولت و دادگستری و پلیس هم امکان مبارزه با این حجم عظیم قاچاق را ندارند».

سایر شرایط علی نیز به همین صورت در این بستر موجبات ایجاد و گسترش ابعاد پدیده مورد بحث می‌شوند و نشان می‌دهند تعرفه‌های گمرکی چگونه می‌تواند به‌عنوان یک موضوع چندکارکردی از بسترها و عللی چون ایجاد مزیت نسبی برای کالای داخل رشد و نمو یابد چرا که وقتی با اعمال تعرفه‌ها کالای با کیفیت خارجی وارد نمی‌شود کالای تولید داخل نسبت به نمونه خارجی خود مزیت قیمتی پیدا می‌کند اما با فاصله‌ای معنی‌دار از لحاظ کیفیت تولیدی، که خود علت رونق قاچاق است. پل ساموئلسون، برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد در این زمینه می‌گوید، «اصل مزیت نسبی، درآمدهای واقعی را در همه جا بالا می‌برد، درحالی‌که تعرفه‌ها یا سهمیه‌هایی که به‌طور نامناسب تعیین می‌شوند باعث کاهش کارایی و درآمدها می‌شوند و این امر «بنیان استوار

تجارت بین المللی است» (ساموئلسون، ۱۹۸۰: ۶۳۰). در بخش‌های بعدی به سایر شرایط موثر بر پدیده اشاره خواهد شد.

۴-۳. شرایط مداخله‌گر

آنچه تأثیرات شرایط علی در پدیده‌ها را کاهش یا افزایش یا تغییر می‌دهند را شرایط مداخله‌گر می‌نامند، درواقع آنها تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاصی قرار دارند. در این مدل پارادایمی شرایط مداخله‌گر ابعاد اقتصادی تعرفه‌ها عبارتند از؛ تعرفه منبع درآمد دولت، بی‌توجهی به علم اقتصاد، عدم شناخت تحولات اقتصاد جهانی، نبود شفافیت اقتصادی، حمایت از تولید برای اشتغال‌زایی دولتی، تعرفه مانع رقابت‌پذیری، بی‌توجهی به معیارهای تسهیل تجارت، مطلوبیت کالای خارجی، سودآوری دورزدن قانون و تعدد تصمیم‌گیران است.

در بررسی پدیده مورد نظر برخی از شرایط به‌عنوان عوامل تأثیرگذار وارد میدان عمل می‌شوند. یعنی هم‌چنان که تعرفه‌ها به‌عنوان یک مکانیسم اقتصادی فعال هستند کارکردهایی دیگری به آنها منتسب می‌شود که این ساز و کار را دچار نوسانات و تغییراتی می‌کند. یکی از این شرایط مداخله‌گر مهم و جدی نگاه به تعرفه‌ها به‌عنوان یک منبع درآمدی برای دولت‌هاست. «تعرفه‌ها، به خصوص در کشورهای جوان با توانایی محدود برای جمع‌آوری مالیات، اغلب منبع درآمدی قابل توجهی هستند. درواقع، تعرفه‌های ایالات متحده در ۱۷۸۹، به رغم نیت همیلتون، به مراتب بیش از حمایت از صنعت داخلی کسب درآمد کرد» (نافزیگر/ آزاد ارملی، پیشین).

تعرفه‌های گمرکی کارکرد و اثرات مختلفی در اقتصاد دارند تعرفه‌ها براساس چگونگی دریافت، ایجاد تسهیل و یا تبعیض و تأخیر در فرآیندهای تجاری کشورها انواع گوناگونی دارند. در این زمینه مصاحبه‌شونده کد ۸ می‌گوید؛ «نمی‌شود تمام کارکردهای تعرفه‌ها را نادیده گرفت ممکن است در بخشی ضعف و ناکارآمدی باشد اما در مواردی هم درست عمل می‌شود هرچند سنجش صحت و سقم آن با توجه به حجم بالای کالای قاچاق به کشور خیلی سخت است اما در تجربه کاری من تعرفه‌گذاری در ایران یک فرآیند آزمون و خطا است همین تغییرات پیاپی هم منجر به افزایش کارکردهایی شده و تبعات منفی تجارت ناسالم در جامعه را موجب گردیده است یعنی تجمل‌گرایی با کالای لوکس وجود دارد از طرفی در برابر کالای چینی توان مبارزه با دامپینگ یا قیمت‌شکنی وجود ندارد، حتی کالای ایرانی نمی‌تواند با نمونه چینی که با قیمت پایین‌تر در بازار وجود دارد رقابت کند». آن‌چنان که اشاره شد یکی دیگر از شرایط مداخله‌گر ناتوانی کالای ایرانی در رقابت با نمونه‌های خارجی است همین موضوع گرایش به کالای خارجی را در اولویت‌های

مصرف کننده ایرانی قرار می‌دهد. دولت‌ها اما بدون یک برنامه مدون اقتصادی به‌عنوان یک متغیر جدی در این روند اختلال ایجاد می‌نمایند.

بی‌توجهی به مدل‌های علمی اقتصادی و عدم شناخت از تحولات اقتصادی در جهان قرن ۲۱ همگی از عوامل تأثیرگذار بر پدیده ابعاد اقتصادی تعرفه‌گذاری کالا هستند، در این بین عدم شفافیت در رویه‌های جاری حمایتی و حتی سیاست‌های اقتصادی که ناشی از یک سردرگمی اجتماعی و فکری تصمیم‌گیران است به این بحران‌ها دامن می‌زند برای نمونه مصاحبه‌شونده کد ۵ در این خصوص می‌گوید؛ «به نظرم ما یک روش علمی و بروز را برای فعالیت تجارت بین الملل خود انتخاب نکرده‌ایم و کارها مبنای علمی درستی مبتنی بر دستاوردهای علم اقتصاد در کشورهای موفق ندارد صحبت‌هایی از برنامه‌ریزی و عقلانیت می‌شود اما تا اجرا به بی‌عقلی منتهی می‌شود چرا که نتیجه آن تاکنون به نفع توسعه اقتصادی کشور نبوده البته فاکتورهای مختلفی موثراند اما ما داریم از تعرفه‌ها حرف می‌زنیم».

جهان قرن ۲۱ الزامات و چارچوب‌های مشخصی برای فعالیتهای تجاری دارد که رعایت آن معیارها تسهیلاتی را برای اعضاء فراهم می‌نماید. امروزه تقسیم کار جهانی و توسعه فعالیتهای گمرکی کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت یا سازمان جهانی گمرک نشان از جهانی‌شدن اقتصاد دارد، وقتی سیاست‌ها به سمت تسهیل تجارت می‌رود و یا نگاه‌ها معطوف به کاهش تعرفه‌ها و ایجاد فضای رقابتی بیشتر است. «مزیت رقابت وضعیتی است که یک بنگاه را قادر می‌سازد که با کارایی بیشتر و روش‌های برتر محصول را با کیفیت بالاتر عرضه نماید» (موحدمنش و دیگران: ۱۳۹۸). در این راستا مصاحبه‌شوندگان دیدگاه‌های خود را در زمینه جهانی‌شدن اقتصاد و موضوع تعرفه‌ها مطرح نمودند.

مصاحبه‌شونده کد ۱ می‌گوید؛ «کشورهای موفق در همین منطقه ما برای صادرات و واردات خود تعرفه‌های تقریباً یکسان اعمال می‌کنند مثلاً در همین دبی که اکنون به پایانه صادراتی کالا به ایران تبدیل شده و بیشتر واردات ما از این نقطه انجام می‌شود بیشتر تعرفه‌ها ۴ درصد اعمال می‌شود درواقع معیاری که سازمان‌های جهانی متولی تجارت هم آن را پیشنهاد داده‌اند و بسیار محتمل است که به توسعه اقتصادی کمک بیشتری کند. راهی که ایران باید طی کند پیروی از همین عقلانیت جهانی در تجارت بین‌الملل است کاهش تعرفه‌ها نشانه‌ای از پذیرش این معیارها است».

جهانی‌شدن اقتصاد، تجربه کشورهای دیگر، کامیابی و ناکامی‌های ملل دیگر را به اشتراک می‌گذارد و می‌تواند الگویی برای سایرین باشد. مصاحبه‌شونده کد ۲ می‌گوید؛ «تصمیم‌گیران اقتصادی ما گمان می‌کنند با بی‌توجهی به معیارهای سازمان‌های جهانی از جمله حرکت به سمت

میانگین تعرفه‌های پایین‌تر می‌تواند مسیری جدیدی برای توسعه اقتصادی بپیمایند اما این بی‌توجهی به شکست برنامه‌ها منجر می‌شود اقتصاد علم است و دست‌کاری‌های ناشیانه در آن به فاجعه‌های اقتصادی و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن منجر می‌شود با بستن درها و محدود کردن تجارت بین‌المللی راه به جایی نمی‌بریم چون مسیر پیشرفت سایر کشورها دقیقاً نقطه مقابل آن چیزی است که ما می‌رویم». با این اوصاف سایر شرایط مداخله‌گر که در این مدل پارادایمی ذکر شده است نیز بنابر داده‌های جمع‌آوری شده بر پدیده مورد مطالعه تأثیر داشته‌اند.

۴-۴. شرایط زمینه‌ای

زمینه عبارت از مجموعه شرایط خاصی که درون آن راهبردهای کنش و واکنش انجام می‌شود یعنی مکان حوادث یا وقایع مربوط به پدیده در طول یک محدوده دارای بعد را گویند. در این مطالعه شرایط زمینه‌ای ایران در ۴ دهه اخیر و به تبع آن سازمان گمرک ایران است که به‌عنوان مجری سیاست‌های تعرفه‌ای درگیر با بسیاری از جنبه‌های تعرفه‌گذاری کالاها است.

۴-۵. پدیده

ما در پی پاسخ به این پرسش هستیم که؛ اینجا چه می‌گذرد؟ در جستجوی پدیده، ما به دنبال الگوهای تکراری اتفاقات، حوادث یا اقداماتی هستیم که نشان‌دهنده آنچه مردم به تنهایی یا با دیگران در پاسخ به مشکلات و موقعیت‌هایی که آنها خودشان را در آن می‌بینند، می‌گویند یا انجام می‌دهند. تعرفه‌گذاری کالا در ایران برخاسته از زمینه‌ها و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه است. در این تحقیق پدیده ابعاد اقتصادی تعرفه‌های گمرکی حاصلی از داده‌های جمع‌آوری شده در طول این بررسی بوده که پیامدهای اقتصادی این موضوع را مورد مطالعه قرار داده است.

۴-۶. راهبردها

تاکتیک‌ها استراتژی روزمره‌ای هستند که چگونه مواجهه‌شدن اشخاص با موقعیت‌ها، مشکلات و مسائل را نشان می‌دهند، اینکه مردم چه می‌گویند یا انجام می‌دهند یا شیوه‌هایی برای پاسخ دادن مردم به وقایع در زندگی روزمره و در سازمان‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌ها را در برمی‌گیرد. در این مطالعه راهبردهایی که از سوی کنش‌گران این عرصه و به‌واسطه مشارکت‌کنندگان مورد اشاره قرار گرفت شامل؛ تعرفه‌های متعادل و کنترل فساد، رشد پرونده‌های قضایی گمرکی، کاربرد تکنولوژی، سامانه‌های کامپیوتری، توسعه گمرک الکترونیک، چند کارکردی بودن تعرفه‌ها، تعرفه‌ها و

صنعتی‌شدن، تسهیل تجارت آزاد، مطلوبیت کالای خارجی، عدم‌باور کارکنان به درستی نظام تعرفه‌ها، شناخت از اقتصادهای توسعه یافته، گمرک مجری اما تأثیرگذار و تعرفه ابزاری توسعه‌ای را در برمی‌گیرد. درواقع راهبردهای مبنای تعاملات جاری، در دو بعد فعال یا منفعل در قالب برخی عباراتی که در پی خواهد آمد طرح شده است. این راهبردها در مواردی با راهبردهایی که در پدیده ابعاد اجتماعی به کار گرفته می‌شود مشابه بوده و در برخی زمینه‌ها کنش‌گران اقدامات دیگری را انجام می‌دهند. یکی از راهبردهایی که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد رفتن به سوی تعرفه‌های متعادل برای فعالیت سالم اقتصادی و کنترل فساد است.

این راهبردهایی است که کارشناسان گمرک یا در مواردی نظام سازمانی آنها را برای برون‌رفت از بحران‌های پیش‌رو انجام یا پیشنهاد می‌دهد. برای مثال برخورد قضایی با تخلفات گمرکی و تعرفه‌ای که در قالب افزایش شمار پرونده‌ها پیگیری می‌شود. اما یکی از جدی‌ترین راهبردها استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی و سامانه‌های کامپیوتری برای رصد رویه‌ها و جریان‌های تجاری جاری است. در این زمینه اظهار نظر مشارکت‌کنندگان نشان از عمق این تحولات دارد؛ مصاحبه‌شونده کد ۱۶ می‌گوید: «سامانه‌های گمرکی علاوه بر دقت موجبات جلوگیری از جعل و تقلب با استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری کامپیوتری شده و امکان تقلب در تعرفه و ارزش کالای اظهاری را خیلی سخت می‌کند ضمن آنکه منجر به شفافیت در آمار و ارقام و میزان واردات کالا در تعرفه‌های مختلف و نوع و ارزش و وزن کالای وارداتی به کشور می‌گردد». مصاحبه‌شونده‌ای از کارشناسان گمرک با کد ۲ می‌گوید: «یکی از زمینه‌های موفقیت‌آمیز استفاده از تکنولوژی در فرآیندهای گمرکی موضوع رجستری موبایل بود که هم منجر به کاهش تعرفه‌ها آن شد و از سوی دیگر قطع جریان قاچاق این کالای مصرفی بود. هم اکنون هر دستگاه گوشی موبایل باید در سامانه مخابرات ثبت شود و ثبت آن در سامانه منوط به پرداخت عوارض گمرکی است».

این راهبردها به سوی عملگرایی بیشتری سوق می‌کند وقتی به افزایش کیفیت کالای داخلی یا صنعتی‌شدن بیشتر کشور در برنامه‌های دولت توجه می‌شود تا بتوان توان رقابت‌پذیری کالای ایرانی را در جهان افزایش داد. در این سوی ماجرا اما راهبرد مطلوبیت کالای خارجی به معنی گرایش مصرف‌کننده به استفاده از کالاهای با کیفیت‌تر وارداتی نمود پیدا می‌کند. نظریه مزیت نسبی بر این نکته باور دارد که کشورها باید بر تولید و فروش کالاهایی تمرکز کنند که در تولید آن‌ها به سبب دارای‌هایشان، مانند زمین، منابع معدنی، نیروی کار، تخصص فنی یا علمی مزیت دارند. این به معنای تقسیم جهانی کار بود. درواقع برای کشورها معقول‌تر است که به جای تلاش برای تولید همه چیز به این طریق تخصص یابند، تا تولیدات آنها کارآتر شده، ظرفیت بیشتری را برای رشد ایجاد نموده و از منابع کم‌یاب به نحو مؤثرتری بهره‌برداری نمایند.

نکته بسیار مهمی که در داده‌های به‌دست آمده مشخص شده راهبرد طرد رویه‌های جاری گمرکی و عدم باور به درستی نرخ تعرفه‌های جاری گمرکی است که کارکنان بر آن مهر تأیید می‌زنند. این ویژگی در سایه راهبرد کلان‌تری معنادار می‌شود و آن هم شناخت از اقتصادهای موفق جهان است که باید به آن توجه شود. یعنی کارکنان با آوردن مثال‌هایی از شرایط جهانی بر بی‌نتیجه بودن سیاست‌های جاری در ایران تأکید دارند. مصاحبه‌شونده کد ۱ می‌گوید: «کشورهای موفق در همین منطقه ما برای صادرات و واردات خود تعرفه‌های تقریباً یکسان اعمال می‌کنند مثلاً در همین دبی که اکنون به پایانه صادراتی کالا به ایران تبدیل شده و بیشتر واردات ما از این نقطه انجام می‌شود بیشتر تعرفه‌ها ۴ درصد اعمال می‌شود درواقع معیاری که سازمان‌های جهانی متولی تجارت هم آنرا پیشنهاد داده‌اند و بسیار محتمل است که به توسعه اقتصادی کمک بیشتری کند. راهی که ایران باید طی کند پیروی از همین عقلانیت جهانی در تجارت بین‌الملل است کاهش تعرفه‌ها نشانه‌ای از پذیرش این معیارها است».

در این باره مصاحبه‌شونده کد ۹ می‌گوید: «به‌نظر من ما در همه زمینه‌ها از جمله اقتصاد و تعرفه‌ها دنبال کشف قوانین جدید هستیم انگار اختراع دوباره چرخ افتخاری برای ما دارد اصلاً برنامه منسجمی برای آگاهی از تجارب سایر کشورها نداریم من که تاکنون چنین چیزی ندیده‌ام ممکن است کارشناسان اطلاع داشته باشند اما سازمان‌های متولی مطالعه مقایسه‌ای برای یافتن بهترین راه رسیدن به نتیجه مطلوب را دنبال نمی‌کنند ما بیشتر سعی در نادیده گرفتن قوانین جهانی داریم آن هم در موقعی که همه چیز جهانی شده است حتی اقتصاد، تعرفه‌ها و رشد و پیشرفت اقتصادی».

نگاه به تعرفه‌ها به‌عنوان بازوی عملیاتی برنامه‌های توسعه اقتصادی یکی دیگر از راهبردهایی است که از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شد. باور بر این است تعرفه‌ها می‌تواند چنانچه در سایر کشورهای در حال توسعه عمل نموده در ایران هم ابزاری برای رسیدن به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی باشد، آن‌چنان که تعرفه‌های متعادل به‌عنوان یکی از راه‌کارها، مورد نظر قرار گرفت.

۴-۷. پیامدها

پیامدها ایستگاه پایانی پارادایم است که؛ نتیجه پدیده و راهبردهای انتخاب شده در زندگی کنش‌گران را نشان می‌دهد شاید تمامی کنش‌گران این پیامدها را تجربه نکنند اما ما به‌عنوان تحلیل‌گر، می‌خواهیم تا حد زیادی این پیامدها را در تجزیه و تحلیل‌ها به‌دست بیاوریم. در این مطالعه پیامدهای ناشی از زمینه‌ها و ابعاد اقتصادی تعرفه‌گذاری کالاها در ایران به مواردی چون؛ درآمدزایی در برابر حمایت‌گری، رشد پرونده‌های قضایی، حمایت‌گری پوششی، تعرفه عامل رانت

اقتصادی، تعرفه‌ها مانع تجارت آزاد، عدم رقابت‌پذیری کالاها، نبود صادرات کالای تولیدی، دور زدن قانون، شکست حمایت از تولید، تولید مونتاژی، افزایش واردات غیررسمی کالا، ناتوانی در جلوگیری از تخلفات، چالش در ابعاد توسعه، بازار محدود کالای ایرانی، افزایش قاچاق و ضدیت با توسعه است.

تعرفه‌گذاری کالاها دارای کارکردهای مختلفی در اقتصاد کشورها هستند. از پیامدهای مهم بعد اقتصادی تعرفه‌ها توجه بیش از اندازه به درآمدزایی برای دولت است تا جایی که هدف یا شعار حمایت‌گری را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهد درواقع آنچه از آن به حمایت‌گری پوششی یاد می‌شود که در لوای آن درآمدزایی موردنظر است. مصاحبه‌شونده با کد ۱۲ می‌گوید: «خیلی سخت می‌شود نتایج تعرفه به‌عنوان یک ابزار توسعه اقتصادی یا حمایتی را در سطح جامعه مشاهده کرد بیشتر مسائل اینجا برای افزایش درآمد دولت رقم می‌خورد و همه رویه‌ها چنان اجرا می‌شود تا بیشترین وصولی‌ها را داشته باشیم به‌نظر هدف اصلی در شرایط عادی و نه تحریمی هم درآمدزایی از واردات است».

تجارت از راه‌های غیرقانونی و سودآور بودن چنین رویه‌های خلاف قانونی نهایتاً به برخوردهای قضایی و تبعات مختلف آن منجر می‌گردد یکی از پیامدهای نظام تعرفه‌گذاری افزایشی رشد پرونده‌های قاچاق است وقتی عبور کالا از گمرک با عوارض سنگین مالیاتی مواجه است کنش‌گران این عرصه متکی بر اصل سودآوری به فعالیت‌های زیرزمینی روی می‌آورند در این زمینه داده‌های جمع‌آوری شده گواهی بر این ادعاست که؛ یکی از نتایج مستقیم تعرفه‌گذاری رشد پرونده‌های قاچاق است. تعرفه‌ها از ابزار جدی مؤثر در افزایش تجارت غیرقانونی است و خود بستری برای زمینه‌سازی قاچاق است در این خصوص مصاحبه‌شونده کد ۹ می‌گوید: «زمینه‌سازی قاچاق با افزایش تعرفه‌ها فراهم می‌شود و دولت و دادگستری و پلیس هم امکان مبارزه با این حجم عظیم قاچاق را ندارند». در این زمینه مصاحبه‌شونده کد ۱۵ می‌گوید: «ساختار تعرفه در ایران خود مولد و تولیدکننده قاچاق و قاچاقچی است، تعرفه‌های بالا منجر به افزایش پرونده‌های قضایی قاچاق کالا شده همچنین خود به‌عنوان یکی از موانع تجارت آزاد و رونق قاچاق عمل می‌کند».

یکی دیگر از پیامدهای تعرفه‌ها ایجاد و گسترش رانت اقتصادی است. چنان‌که اشاره شد یکی از ویژگی‌های اقتصادهای درحال توسعه رانت‌هایی است که برای عاملین و کارگزاران درگیر در فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌گردد. در این زمینه مصاحبه‌شونده کد ۶ می‌گوید: «سال‌ها تجربه پیایی در این سازمان و مشاهده فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف نشان می‌دهد آنچه تحت عنوان حمایت دولت از تولید مطرح است رانت و باجی است که دولت به تولیدکنندگان می‌دهد تا اشتغال را سرپا نگهدارد حال این اتفاق در صنعت خودروسازی ایران نمود بیشتری دارد

اما کم نیستند شرکت‌های دارویی یا سایر صنایع و حرف دیگر، این تعلق رانت تعرفه‌ای به برخی محصولات یعنی هدایت ثروت به بخشی از جامعه و ارسال کالای بی کیفیت برای مصرف‌کننده‌ای که هیچ انتخاب دیگری ندارد». این حمایت‌گری‌های رانتی خود از عوامل اصلی رقابتی نبودن محصولات تولیدی داخلی و عدم امکان صادرات صنعتی به کشورهای دیگر در مقیاس گسترده است. درواقع ما با زنجیره‌ای از اقدامات مخرب و غیرکارشناسی مواجه هستیم که در مجموع اقتصاد ایران را با وضعیتی که هم‌اکنون با آن مواجه‌ایم رسانده است.

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که باید توجه ویژه‌ای به آن شود شکست سیاست تولید داخلی متکی بر تعرفه‌های حمایتی است به این معنی که این تولیدات توان رقابت با کشورهای دیگر را ندارد چنانچه سازمان تجارت جهانی استفاده از ابزار تعرفه‌های گمرکی برای حمایت از اقتصاد داخلی را نادرست می‌داند زیرا با این کار در مسیرتجارت خارجی مانع ایجاد می‌شود و این موانع به تدریج فرصت‌های رشد اقتصادی را به دلیل نبود رقابت از بین می‌برد. بنابراین تعرفه‌های وارداتی باید در سطحی باشد که فرصت رشد اقتصادی در کشور ایجاد شود و صنایع هم به دلیل رقابت با محصولات مشابه خارجی برای ارتقای کیفی تلاش کنند. بنابراین تولید مونتاژی سقوط کیفیت کالای ایرانی را به همراه داشته و برای پاسخ به تقاضای جامعه به سمت افزایش واردات غیر رسمی کالا گرایش پیدا می‌شود که از مسیرهایی چون کولبری و چتر بازی موجبات افزایش قاچاق می‌گردد. براساس نتایج به دست آمده در در برخی تحقیقات نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ جرمه و تعرفه از مهم‌ترین عوامل توضیح‌دهنده روند قاچاق در طی این دوره بوده است و اثر قاچاق بر شاخص قیمت کالاهای وارداتی از اثر آن بر درآمدهای عمومی واقعی دولت شدیدتر است.

درنهایت یکی از مهم‌ترین پیامدهای مورد اشاره ضدیت با توسعه است، نگاه‌ها از سیاست‌های معطوف به توسعه اقتصادی در قرن بیست و یکم فاصله معناداری دارد آنچه که مصاحبه‌شوندگان به عدم شناخت تصمیم‌سازان اقتصادی از تحولات جهانی تعبیر می‌کنند. مصاحبه‌شونده کد ۲ می‌گوید: «تصمیم‌گیران اقتصادی ما گمان می‌کنند با بی‌توجهی به معیارهای سازمان‌های جهانی از جمله حرکت به سمت میانگین تعرفه‌های پایین‌تر می‌تواند مسیری جدیدی برای توسعه اقتصادی بپیمایند اما این بی‌توجهی به شکست برنامه‌ها منجر می‌شود اقتصاد علم است و دستکاری‌های ناشیانه در آن به فاجعه‌های اقتصادی و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن منجر می‌شود با بستن درها و محدود کردن تجارت بین‌المللی راه به جایی نمی‌بریم چون مسیر پیشرفت سایر کشورها دقیقاً نقطه مقابل آن چیزی است که ما می‌رویم». ما با عصر جهانی شدن اقتصاد و تجارت مواجه هستیم در واقع امروزه تعیین‌کننده بسیاری از امور در سطح جهان روابط تجاری فی مابین دولت‌ها و کشورهاست با این اوصاف راهی که ما به عنوان کشوری در حال توسعه می‌پیماییم چون متکی بر

باور های غلط از مکاتب اقتصاد توسعه در قرن جاری است تعرفه‌گذاری کالا را به ابزاری ضد توسعه بدل ساخته است. زیرا براساس «نظریه های رشد اقتصادی، آزادسازی تجاری و گسترش تجارت از طریق بهبود تخصیص منابع، دسترسی به فناوری و کالای واسطه‌ای بهتر و... افزایش رقابت داخلی، استفاده از صرفه‌های داخلی و خارجی و ایجاد محیطی مناسب برای نوآوری و ابداعات، منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود» (جعفری سرشت و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷۱).

۵. بحث و استنباط نظری

این مطالعه باتوجه به تجارب زیسته محقق در سازمان، مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های متعدد با مشارکت‌کنندگانی که همگی از کارکنان و کارشناسان سازمان گمرک ایران بوده اند با بهره‌گیری از تحقیقات و مطالعات پیشین در حوزه نظریه‌های اقتصاد توسعه و تعرفه‌های گمرکی انجام گرفته است.

این مقاله در پی بررسی تأثیر شرایط اقتصادی موثر بر تعرفه‌گذاری کالای وادراتی در ایران است به این معنی که در یک چرخه تأثیر و تأثر نتایج و پیامدهای مجموعه سیاست‌هایی که از بسترهای اقتصادی جامعه ناشی می‌شوند را در حوزه توسعه اقتصادی و تعرفه‌های گمرکی با کارکنان گمرک به‌عنوان کنش‌گرانی در میدان عمل، مطرح نموده و با یک مطالعه عمیق جهان واقع را از دیده آن مشارکت‌کنندگان و براساس تجربه زیسته آنان مورد ارزیابی قرار داده، تا نه صرفاً با اتکا به آمار و ارقام که با سفری به عمق و ریشه‌های تفکر اقتصادی و توسعه‌ای که منجر به بروندهای آماری شده، که اکنون ما را در بحران های مختلف توسعه ای و پیامدهای زیان‌بار آن چون؛ بی‌کیفیت بودن کالای داخلی، فساد اداری، قاچاق و کولبری و نداشتن بازار جهانی کالای ایرانی گرفتار کرده، ابعاد پدیده مورد مطالعه را شناسایی نموده و گزارش دقیقی از آن ارائه نماید.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعرفه‌گذاری کالاها دارای ابعاد اقتصادی مختلفی بوده که آنها را به پدیده‌های منحصربه‌فردی در جامعه ایران مبدل ساخته است. نظر به اینکه پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی چند علتی هستند و ابعاد و وجوه گوناگون و چندگانه‌ای دارند این مطالعه به‌صورت بین‌رشته‌ای در حوزه‌های مختلف تعرفه گمرکی و جامعه‌شناسی اقتصاد توسعه به‌نتایج قابل اتکایی برای تحقیقات بعدی در زمینه عوامل مؤثر اقتصادی بر تعرفه‌های گمرکی در ایران دست یافته و از این زاویه نگاهی نو برای مطالعات آینده در این حوزه خواهد بود.

مشارکت‌کنندگان ابعاد مختلف پدیده را باتوجه به شرایط مختلف زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر مورد واکاوی قرار دادند و راهبردهای گوناگونی را که در مواجه شدن با مسائل مربوط به تعرفه‌ها اتخاذ شده و در نهایت منجر به پیامدهایی در جامعه مورد بررسی این تحقیق گردیده مطرح

نمودند. این پیامدها چیزی نیستند مگر همان مقوله‌های عمده‌ای که در بخش‌های مختلف مورد اشاره قرار گرفته‌اند و در نهایت با یک همبستگی منظم و معنی‌دار به‌ظهور و به‌روز نظریه‌نمایی این پژوهش منجر گردید. در این دیدگاه ناکارآمدی به کارکردهای آشکار و پنهان یک پدیده اشاره دارد که می‌تواند حرکات آن پدیده را با موانع جدی روبرو نماید. ناکارآمدی^۱ وصفی است که در لغت به معنای بی‌فایده، بدون تأثیر، معیوب و غیرکارکردی استفاده می‌گردد، در اینجا ناکارآمدی به معنی عدم دستیابی به اهداف تعرفه‌گذاری و کارکردهای آن است.

استفاده از واژه تعرفه‌های ناکارآمد از نگاه یک پژوهشگر اجتماعی-اقتصادی از تفسیر و تحلیل مفاهیم بیان شده از سوی مشارکت‌کنندگانی ساخته شده که برداشت‌های دست اول خود از موضوع را بدون هیچ واسطه‌ای منعکس نموده‌اند این نظریه بیانگر لزوم توجه به موانع توسعه پایدار اقتصادی خصوصاً در بخش اقتصاد توسعه است. وصف ناکارآمدی علاوه بر اشاره به کارکردهای نادرست نشان دهنده اثرات سوء ابزارهای اثرگذار در دست دولت‌ها در حوزه اقتصاد ایران است که نشان می‌دهد آنچه تاکنون اتفاق افتاده بیش از آنکه تسهیل‌گر باشد به مانعی در مسیر اهداف و برنامه‌ها مبدل گردیده است. ناکارآمدی تعرفه‌ها چه در مرحله اجرا، همچنین تبعاتی که در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به گواه داده‌های جمع‌آوری‌شده از مشارکت‌کنندگان داشته، نتوانسته نقش درستی در مسیر توسعه اقتصادی کشور بازی کند که در نهایت منجر به پیامدهایی در بخش‌های مختلف جامعه ایران گردیده است. مشارکت‌کنندگان به‌عنوان کنشگر، شاهد و ناظر شرایط حاصل از اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای مختلفی بوده‌اند که جدای از شرایط کلان اقتصادی ایران نبوده و در همان بستر رشد کرده است آنها روایت‌های خود را از اقدامات سازمان‌ها و تصمیم‌گیرندگان کلان اقتصادی بیان کردند وقتی از بی‌ثباتی و تصمیمات و بخشنامه‌های خلق‌الساعه سخن می‌گویند این راهبردها و پیامدهای حاصل از آن به مفهوم چالش در توسعه اقتصادی رهنمون می‌شود.

همچنین دست‌کاری‌های غیرکارشناسی و فاقد منطق علمی و تجربی لازم در ابزارهای اقتصادی الگوی اجتناب‌ناپذیری از ناکارآمدی را برای نظام‌های اقتصادی به همراه می‌آورد که این ناکارآمدی پیامدهای ناگزیر اقتصادی خواهد داشت و جامعه را از رسیدن به یک توسعه پایدار دور می‌نماید. سرانجام در این مطالعه به گزاره‌های زیر دست یافته‌ایم؛

- تعرفه‌گذاری کالا در ایران تحت تأثیر بسترهای اقتصادی موجود است.
- روش تعرفه‌گذاری کالا در ایران پیامدهای اقتصادی فراوانی داشته است.

^۱ Faulty-not functional

- پیامدهای تعرفه‌گذاری کالا در ایران، تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر محیطی و دولتی به ایجاد بحران‌های اقتصادی منجر شده است.
- کارکردهای تعرفه‌گذاری کالا در برخی زمینه‌ها همچون درآمدزایی برای دولت‌ها مثبت بوده است.
- تعرفه‌ها در ایران در صنعتی‌شدن و توسعه اقتصادی نقش مثبت، موثر و روبه جلو نداشته‌اند.
- تعرفه‌های بالای اجرایی در گمرکات، بر حوزه‌های مختلف اقتصادی همچون تولید کالای با کیفیت ایرانی و مزیت‌های رقابتی آن تأثیرات فراوانی داشته است.
- تعرفه‌های اعمال شده در ایران بستری برای رواج تجارت غیرقانونی بوده است.
- راهبرد حمایت از کالای تولید داخل توسط دولت‌ها به پیامدهای مختلف اجتماعی و اقتصادی چون قاچاق کالا، کولبری، چتر بازی، تجارت غیرقانونی و فساد اداری منجر شده است.
- بین استفاده از تکنولوژی‌های کامپیوتری و کنترل فساد رابطه مؤثری وجود دارد.
- عدم رقابت‌پذیری کالای ایرانی در سطح منطقه‌ای و جهانی امکان صادرات کالای صنعتی ایرانی را ناممکن ساخته است.
- بی‌توجهی به معیارهای جهانی و رویه‌های تجربه‌شده اقتصادهای موفق از ویژگی سیاست‌های تعرفه‌ای در ایران است.
- باور دورنی به اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای از سوی کنش‌گران این عرصه ضعیف ارزیابی می‌شود.
- بازتولید فقر، فساد، بیکاری، نمودهای روشنی از جریان نادرست اقتصاد تعرفه در راستای قطع رابطه با جریان‌های تجارت جهانی است که امکان تولید رقابتی را از جامعه ایران سلب کرده است.
- تصمیمات اقتصادی در ایران دستوری و سیاسی است و تابع شرایطی است که از آن به مافیای اقتصادی تعبیر می‌شود.
- راه‌کارهای دولتی در سیاست‌های تعرفه‌ای مبتنی بر بی‌ثباتی و تغییر مداوم بوده و اثرات سوء بر توسعه اقتصادی داشته است.
- هرچند براساس معیارهای تحقیق کیفی ادعایی مبنی بر تعمیم‌پذیری این گزاره‌ها وجود ندارد اما به‌نظر می‌رسد دست‌کاری‌های اقتصادی بدون وجود یک منطق علمی مبتنی بر معیارهای علم اقتصاد و نبود ثبات سیاسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها و عدم اتخاذ یک استراتژی امروزی در جامعه درخصوص تعرفه‌گذاری کالاها به نتایج مشابهی خواهد رسید این ادعا در مقایسه نتایج حاصله با مطالعات دیگری که در این حوزه انجام شده قابل بررسی بیشتر خواهد بود.

۶. راهکارها و پیشنهادات

این تحقیق با بررسی ابعاد مختلف اقتصادی تعرفه‌گذاری کالا در ایران، راهکارها و پیشنهادات زیر را جهت بهره‌برداری در سازمان‌های مسئول و تصمیم‌سازان در حوزه اقتصاد تعرفه همچون گمرک ایران و وزارت صمت ارائه می‌نماید؛

- مطالعه تجربه زیسته اقتصادهای نوظهور و استفاده از الگوی های موفق آن کشورها.
- برنامه‌ریزی و تصویب سیاست‌های برون‌گرایی اقتصادی مبتنی بر تعامل با قدرت‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی.
- لزوم توجه به ثبات سیاسی داخلی و روابط خارجی مستحکم با کشورهای مؤثر در معادلات اقتصاد جهانی که مستلزم تغییر در الگوی سیاست و روابط کلان خارجی کشور است.
- بازنگری سیاست‌های اقتصادی با ابتناء بر اصول علم اقتصاد و دستاوردهای آن در زمینه تجارت آزاد.
- جایگزینی سیاست ممنوعیت واردات با سیاست توسعه صادرات صنعتی در کشور.
- برپایی نمایشگاه‌های محصولات قابل صادرات صنعتی ایران و توجه به افزایش کیفیت و رقابت پذیری کالای ایرانی.
- لزوم توجه به ثبات سیاسی و اقتصادی در تعرفه‌گذاری کالا و فراهم کردن بسترهای لازم آن در سیاست‌های کلان کشور.
- اعزام هیأت‌ها و رایزنان بازرگانی به اقصی نقاط جهان و پذیرش متقابل آنها از سایر کشورها.
- توسعه تجارت الکترونیک در حوزه گمرکات با محوریت توسعه خوشه‌های صادراتی و برنامه‌های توسعه اقتصادی.
- توسعه روابط و اتحادیه‌های گمرکی در منطقه و جهان و ایجاد و گسترش روابط متعادل با جهان امروز و یکسان‌سازی رویه‌ها و استانداردها که همگی نیازمند تحول در سیاست خارجی کشور است.
- جلوگیری از تعدد و تغییرات متوالی مقررات و ممنوعیت‌هایی که انگیزه تجارت مشروع در حوزه صادرات و واردات کالا را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.
- تعرفه به‌عنوان یک ابزار حمایتی باید در محدوده استانداردهای جهانی تدوین گردد تا تولیدکنندگان داخلی تلاش برای ارتقاء کیفیت کالای خود را با بهره‌گیری از تکنولوژی روز در اولویت قرار دهند.
- رقابت‌پذیری در اقتصاد جهانی باید به‌عنوان یک اصل در دستور کار برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گیرد و روش‌ها و استراتژی‌ها نیز برای حمایت از تولید داخل باید به این هدف معطوف گردد.

منابع

۱. ابادری، یوسف، ۱۳۹۴، مجله ایرن فردا، تهران: شماره خرداد ماه.
۲. ازکیا، مصطفی و حسین ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰، روش‌های کاربردی تحقیق؛ کاربرد نظریه بنیانی، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
۳. ازکیا، مصطفی، احمدرش، رشید و حسن دانش مهر، ۱۳۹۴، توسعه و مناقشات پارادایمی جدید، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
۴. ازکیا، مصطفی، ۱۳۹۳، روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.
۵. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۹، نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه، تهران: نشر علمی.
۶. استیگلیتز، جوزف، ۱۳۸۲، جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
۷. اسملسر، نیل جی، ۱۳۹۵، جامعه‌شناسی اقتصادی، ترجمه محسن کلاه‌چی، تهران: نشر کویر.
۸. بدری، نوید، ۱۳۹۰، بررسی تأثیر تعرفه‌های گمرکی بر روی رقابت‌پذیری صنعت قطعه‌سازی خودرو در شرکت سایکو، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.
۹. بهکیش، محمد مهدی، ۱۳۹۴، نقش تعرفه در مبادلات بازرگانی ایران، سایت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی استان تهران.
۱۰. پژویان، جمشید و مجید مداح، ۱۳۸۲، بررسی اقتصادی قاچاق در اقتصاد ایران، پژوهش‌نامه اقتصادی، دوره ۶ شماره ۱.
۱۱. پیت، ریچارد و الن هارت ویک، ۱۳۸۹، نظریه‌های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: نشر لویه.
۱۲. تفضلی، فریدون، ۱۳۹۷، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
۱۳. جعفری سرشت، داود، سلمان‌پور، علی و سیامک شکوهی‌فرد، ۱۳۹۸، اثر امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی)، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۷.
۱۴. سعدوندی، علی، ۱۳۹۶، تعرفه و حمایت از تولید داخلی، تهران: نشریه اینترنتی اقتصاد آنلاین.
۱۵. شایگان، فریده، ۱۳۸۸، حق توسعه، تهران: نشر گرایش.
۱۶. قاسمیان، عاطفه، ۱۳۹۲، مقایسه وضعیت تعرفه‌ای کشورهای منتخب، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران.

۱۷. متوسلی، محمود، ۱۳۹۶، توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. محمدی، بیوک، ۱۳۸۷، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. موحدمنش، مهدی و سارا عالی منش، ۱۳۹۸، بررسی عوامل مؤثر در صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۷.
۲۰. نافزیگر، ای واین، ۱۳۹۵، توسعه اقتصادی، جلد دوم، ترجمه غلامرضا و امیر آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.
۲۱. نعمت الهی، سمیه، ۱۳۹۰، نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
۲۲. ویلیس، کتی، ۱۳۹۳، نظریه ها و تجربه های توسعه، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پور رجب، تهران: نشر پژوهاک.

23. Balassa, B. 1981. The Newly Industrializing Countries in the World Economy. New York: Pergamon Press.
24. Baldwin, Robert, E. 2003, Openness and Growth: what's the Empirical Relationship? NBER WP No. 9578. Cambridge, MA.
25. Dean, J. M. et al. 1994. "Trade Policy Reform in Developing Countries Since 1985: Review of the Evidence", World Bank Discussion Papers (267).
26. Fisman, R. Wei, S. J. 2004. Tax Rate and Tax Evasion: Evidence from "Missing Import" in China, Journal of Political Economy, Vol. 112, No. 2.
27. Mishra, P. Subramanian, A. Topalova, P. 2008. Tariffs, Enforcement and Customs Evasion: Evidence from India, Journal of Public Economics, 92, 1907-1925.
28. Strauss, A & Corbin, J. 1990. Basic of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques. London: Sage.
29. Strauss, A & Corbin, J. 1998. Basic of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques. Second Edition. London: Sage.
30. www.eghtesadonline.com
31. www.saaalemnews.com/news/624
32. www.irna.ir
33. www.isna.ir
34. www.tccim.ir

